

سال پنجم (۱۳۲۸) ۲۰ جون (۱۹۱۰) منبه (۱)

(جلد ششم کلنگه)

(مديکل کالج اخباریت نمبر ۲)

GABRIEL MARTIN OFFICE  
2, BED. CH. COLLEGE STREET  
CALCUTTA.

(کلیه امور اداره ہا)

(مدیر کل مؤید الاسلام است)

(ہر دو شنبہ طبع)

(وہ شنبہ تو بیچ میشود)

(یوم دو شنبہ)

۱۲ جادی الثانی ۱۳۲۸ ہجری

(مضامین ہا)

(۲۰ جون ۱۹۱۰ میلادی)

۲۰ فرنگ — ۱۶ فرانک

(روسی و ترکستان)

(۱۰ منات — ۶ منات)

(۱۲ روپیہ — ۷ روپیہ)

(ایران و افغانستان)

(۴۰ قران — ۲۰ قران)

(چای و مصر)

(مجیدی — ۳ مجیدی)

(ازویا و چین)

(۳۰ منات — ۱۶ منات)

(روسی و ترکستان)

(۱۰ منات — ۶ منات)

# المیزان

سال پنجم (۱۳۲۸)

۲۹۵۱

۲۹۵۱

۲۹۵۱

سال پنجم

SALE'S COPY  
UNIVERSITY OF CALICUT  
PERSIAN PRINTED BOOKS  
No. 10, Malabar Street,  
Calicut



پس امام رساله اخبار کلمہ کوہر شرطیت الملک اور علیہ وطن چشم اور اخبار فارس  
مکتوب  
پس امام رساله اخبار کلمہ کوہر شرطیت الملک اور علیہ وطن چشم اور اخبار فارس  
مکتوب  
پس امام رساله اخبار کلمہ کوہر شرطیت الملک اور علیہ وطن چشم اور اخبار فارس  
مکتوب

روسیان عرض خود میبرند ( و زحمت ما میدهند )

هرگاه چشم انصاف بسته نشود دیده خواهد شد که در مدت انقلاب سه ساله مملکت ما روسیان در خرابی ایران دقیقه فروگذار ننموده - مخالفت محمد علی با مشروطیت ایران نبود مگر به اغوای روسیان ، محمد علی به هدم مجلس قیام نمود مگر به پشت گرمی روس ، کرنل لیاکوف و سایر سرداران روسی برخلاف جمیع قوانین عالم به اشارات صریحه روس مجلس مقدس شورای ملی ایران را به توب بست - همین قسم در مسئله تبریز روسیان قدری محمد علی را اغراء بمجهل نمودند که تمام مملکت ایران را یک خرمن آتش ساخت ، و بدین وسیله بیسپاهای بی معنی قشون خود را در آذربایج وارد ساختند ، و از آن بعد تجاوزات مسلحه بر قانون خود را باندازه وسیع ساختند که انهن سر آن سر شمال ایران را تحت فشار عسکری خود آوردند ، و در حمله احرار بطهران قشون زورین که دروازه طهران است سوق دادند ، چه در حثت کاریها که نکردند و چه خلاف قانونها که مرتکب نشکستند ، چون ازین حرکات بجهت با مال آریس نائل نیامدند ، نمایندگان روس همدستی با رحیم شوم وایل شامووف را متمسک شده وقته داشت انگیز اردبیل را پیش آورده طشت برائی دولت خود را از بام افکنده و بر عالم تمدن طاهر داشتند که سبب این همه آفت و مایه این همه وحشت کاریها در ایران نمایند روس بوده اند تا جائیکه عکس های عدیده دیپلماتیک روس با رحیم خان در مواقع متعدده که دست افراشته دیگر داده و در خراب کاری ایران مشوره می نمودند ، در جراید عالم منتشر گردید ، و عاقبت هم در ووا به دزدی و غارت را که رسا دولت روس بر او راه دزدی و غارت گری یاد نموده بود ناموس سیاسی بر او نهاده و تجاوز از مواد عمده ترکا نجان کرده و برادر بناه خویش در زند ، و این واقعا نیست که از بس حسی و آفت گرفته که خود روسیان هم انکار نتوانند نمود

حالا باید دید که این همه پلنگ بازی و گریه رقصانی های سه ساله ملت و دولت روس از ایران فائده حاصل کرده اند تصان ؟ بقیده ما بلکه بقیده تمام دانایان و موزولت روس ازین تشبثات غیر قانونی و اجحافارطالانه و تجاوزات غیر دوستانه روز بروز بلکه بآن ساعت بساعت ، از نفوذ اقتصادی و سیاسی خود در ایران کاسته و خواهد شد ، و در آن بس خشن و درشت طبیعتند

می روند از او نتان در جاه و جاله نیز نمی اندیشند اگر رجال سیاسی روس درست دقت نمایند خواهند دید که علاوه بر کاستی سیاست و تجارت نفرت عموم ایرانیان را نیز جلب نموده و بود باعث گردیده اند که ایرانیان جدا در محو نهاد سیاسی و اقتصادی او بکوشند ، امروز روزی است که رجال دولت روس در ملک و ملت ایران متمسک بشعبه بازی های دوره استبداد در دربار ایران بنمایند

امروز روزی نیست که دولت روس مقاصد پلنگی خود را بشرق دست بخواهد از ایرانیان حاصل نماید ، امروز روزی نیست که رجال دولت روس بتوانند از فشار ایرانیان فائده برگیرند ، امروز روزی نیست که بتوان در اقدامات سری یا علنی تکلیف قهرمی به ایرانیان نموده برخاک مرام خویش سوار گردند

بارها نوشته باز هم مینویسیم که روسها دارند بی راهه میروند ، و سیاستون روس همان سهو های پلنگی که در اقصای شرق نموده بعینه دارند در وسط آسیای می نمایند ، ایران مال ایرانیان است استقلال ۶ هزار ساله ایران باین تشبثات تو حلاله نتواند گردید ، حرکات نمایندگان روس در ایران همان حرکات کرم پیله است که عاقبت مورث هلاک خویش می گردد ، از مقتضیات سیاسی کنونی ایران باز ناخبر نیستند و از حرکات نفرت زای روسیان جز اضافه نفرت ملی فائده دیگر نخواهند برد بی از وقتیکه دولت جدید ایران رد استقراض تو دولتین را نمود زمزمه هم از آلمان در ایران با شده گویا دولتین برای ترعیب ایرانیان نقشه جدید پیش گرفته اند و آتش یک انقلاب تازه را در دامن میزنند ، چنانچه چند هفته قبل روزنامه ( کنسرویوئی ) انگلیس که منجمه آلمان میباشد مقاله مفصلی در ماده جنوب ایران با پیش قلم سیاسی هرک برخی از سرداران حلیله نامه حضرت سردار ارفع گردیده در حقیقت تیر و چند نشانی زده یعنی هم ترعیب ایران نموده و هم تشویق سرداران را بمصیبت نموده است ، ولی دوین مقاله طمس سهو گویا تا آزمان از کینیت اتحاد عشایری جنوب اطلاع نداشته است

سیاسیون فح خویش میجویند و زبان را ملاحظه نمی کنند ، مثلا با آنهمه بالش های زیر سر محمد علی گذاردند و با آنهمه همراه محمد علی در پیشرفت مقاصد آنان نمود بخاک مذلت نشست کیک شان هم نکزید بجراید روسهم از اینگونه مقالات

استقراض خیلی نوشته و دولت جدید را باین گونه تهدیدات ترعیب مینمودند. ولی از اخبارت جدیده چنان مستفاد می شود که روسیان در شمال به قول محض اکتفا نموده علناً و صراحتاً برخلاف دولت جدید و ناامنی مملکت حرکات غیر دوستانه منافی با هر قانون است اختیار نموده باین بهانه ها خشک و این اقدامات متهورانه می خواهند از یک طرف علنی برای قیام قشون خویش قائم دارند و طرف دیگر با این فشارهای وحشتناک حایل اند از راه برشته دوستی خود بالاچاره در آورند و به این باطل خشک مراد را در سلب استقلال ایران بجهان چنانچه از تلگرافات اخیر طهران مستفاد بود که یکی از افسران روس که کاندات یک استه اردوی روس در قزوین بود. بنام داراب را جمعی از اشرار را در زنجان فراهم کرده لواط بیافوت برخلاف مشروطیت و حمایت محمدعلی برافراست. همینکه دولت جدید از این واقعه مسبق گرد سخت اعتراض و پروتست بفرات روس در طهران نمود. سفیر روس در جواب اظهار داشته که داراب میرزا یک ماه قبل رخصت گرفته و سه روز پیش استعفاء از خدمت داده و سه روز قبل استم از دفتر نظامی دولت روس خارج گردیده است ولی باین ماذیر بارده نسبت فرقتی با هم گرفتار نمودن داراب میرزا از قزوین روانه زنجان ساخته مشکلات دولت و ملت و ناامنی مملکت و جسارت و این واقعه بقدری مضحک است که احدی نمیتواند مکر سازش روس در اغتشاشات داخل ایران بگردد. عجیباً که جراید روسیه با کمال بی حجابی زبان بتعریف و تمجید این شاهزاده مصنوعی گشوده مینویسند و این شاهزاده با اینکه سالهاست خدمات نظامی روس را اختیار نموده ترک ملیت و ایرانیت و مذهب خود را نگفته است و حال آنکه همین حرکت او را که ذکر مینمایند مکذب جمیع مدایحی است که از او میکنند

این گونه واقعات امروزه برای ایران بالاصاله دارای هیچگونه اهمیتی نتواندند چه داراب میرزا نه از کرنل لیاکوف و سایر افسران روسی در طهران شجاع تر است و نه استعدادش بیش و نه بستگی اش بروس از آنها بیشتر. همان قسم کسانی که کرنل لیاکوف و سایر افسران روسی را مخدول و منکوب نمودند داراب میرزا و صد مثل او را نیز از میانه برداشته و خواهند برداشت. چیزی که اهمیت این مسئله را می نماید همانا خصومت علنی و تجاوز ظاهری نمایندگان روس است آیا روسیان ازین مسلک محتملانه خود از ایران فائده حاصل توانند کرد؟ هیات هیات!

سیاسیون روس باید بدانند که امروزه اگر

راه منفعتی در ایران برای آنها باقی مانده همانا رفتار صادقانه و سلوک دوستانه با ایرانیان است. و هر قدر بدین وسائل غیر قانونی متوسل شوند هم وحشت خود را بر عالمیان آشکارا خواهند داشت و هم نفرت ایرانیان را برای خویش تولید خواهند نمود. ایرانیان بدانند که بیگانه وسیله پیشرفت مقاصد وطنی آنها بسته به ترک مرعوبیت بجاست که بد بختانه گویا هنوز تا درجه در دربار حکم فرما میباشد ایرانیان خوبست ازین و بعد اندکی نزاکت سیاسی و بین المللی را از دولت همایه خود روس اتخاذ نمایند و وزرای نزاکت شناس ما راست که از سیاسیون همایه نزاکت کاری بیاموزند

افراد ملت و مقام منبع ریاست روحانی راست که ازین واقعات عبرت گرفته یقین بدانند که جز بنده کاری. روسیان ترک ایران نگویند و همه روزه باین وسایل متوسل و باین بهانه ها متمسک گردیده نقشه جدیدی برای قیام قشون خویش خواهند ریخت

حالا وقت آن است که ایرانیان با یک ندای عالم گیر پروتستی که در عقب قول بتواند فعالیت نشان دهد در اخراج قشون روس بجمیع دول و ملل متدینه عالم بنمایند و ظاهر دارند که قیام قشون بیگانه در این یک سال و اند جقدر بر ساخته مشکلات دولت و ملت و ناامنی مملکت و جسارت تهور ارتجاعیون افزوده است

همسایگان ما محض اینکه نقطه نظر ملت را از اخراج قشون خود بگردانند همه روزه اسباب یک استتاشی در داخله ایران میشوند. یک روز حمل کابینه دخالت کرده روز دیگر یاد داشت استقلال ایران کن) ایران تقدیم مینمایند یک جا دسپای داخلی خود آتش فتنه و فساد را بین سامان ملت و دولت دامن میزنند. یک مرتبه داراب را برانگیخته. این فتنه را بلند میکنند و ولایت راست که در هیچ موقع از نقطه خوک اخراج قشون بیگانه است صرف توجه و تابگان را اینقدر مهلت ندهد که باینگونه تسلط بر عالمیان ظاهر گردیده است که هیچگونه انتشار انقلابی بالاصاله در ایران دیده نمی شود و از سر تا آن سر مملکت حکم فرما و سرکش از دولت خاضع و خاشع گردیده و قلیاب از واغتشاش کنونی ایران همانا وجود می قشون بیگانه است و این مسئله بقدری آفتابی که و واقعات در بیگانه از امر قیام قشون بیگانه دین پیش به مصدق این قول است



هرگاه امنای دولت صرف نظر از خیالات شخصی نموده و بدرد امروزه وطن عزیز خود برسند و با مجلس مقدس شورای ملی و رؤسای ملت اتحاد نمایند با یک جدی وای میتوانند بهمین اقدامات عتی که برخلاف امنیت باسم شاهزاده مصنوعی از قشون روس تولید شده وطن را از لشکریان بیگانه خالی نمایند، و بهترین موقع برای بروئت رسی دولت همین واقعه غیر مترقبه داراب میرزا میباشد و ما یقین داریم که کابینه وزراء این نکته اهم و موقع نازک را از دست نخواهند داد، و یک یا ایستاده قشون بیگانه را از وطن عزیز خود اخراج خواهند نمود

منافع آلمان را در ایران باید پیش نمود  
هر دولتی که در میدان سیاست رقابت دول دیگر می ایستد برای حفظ منافع خویش است - ایرانیان باید بدقت ملاحظه نمایند که آیا منافع دولت آلمان در ایران باندازه هست که ارزش رقابت و ایستادگی او را در برابر دو رقیب بزرگ داشته باشد؛ شبهه نیست که دولت آلمان همچووار ما ایران نه و طمع دخالت های سیاسی بایران ندارد منفعت آلمان از ایران اقتصادی است باید باریک شد که آیا در مقابل منافع سیاسی و اقتصادی همایگان آلمان امروزه دارای آنقدر منافع تجاری ایران است یا نه که بااصاله ارزش رقابت بزرگی را داشته باشد؛ اگرچه ما لا بد آلمان را منافع عظیمه در وسط آسیا منصور ولی مثل معروف را فراموش نباید کرد «سیا» از حلوائی نیبه است»

امروزه که ایرانیان بقای استقلال خود را سایه رقابت آلمان با دو همسایه شمال و جنوبیبد لازم است هر وسیله و دریهه که بتواند نفع آلمان در ایران بفرزاید و در باعهای سبب آتی او در ایران برویش بکشانند، امروزه آلمان ایران بته باین رقابت و قوت این رقابت به ازدیاد منافع آلمان در ایران است ایرانیان باید بدانند در مدرسه حقوق دوستی و همجواری و آشنائی دریا نشده و هیچ دولت و ملتی بانحداد اصول حفظ استقلال خویش نائل نیامده است و حالیکه دردل زمان ما در اتحاد با آلمان از رانگلیس میترسانند و تا همتاد برده افوا و افخویش را میجوهند باطاعت روس و ازین دارد، در حقیقت یا نفهمیده اند و بزرگتر شمن ملک و ملت و وطن عزیز خود را، امروز سرعویبت ما در اتحاد با آلمان وقت هم همایگان را بگردن افکنیدن است

یکصد ساله رجال ایران بوده، باید بدولتین همسایه بنهائیم که ولایت امروزه ما حفظ استقلال ایران و حقوق مشرعه آزادی خود مان است و درین ماده هر مسدکی که مقرون بسیاست ایران باشد پیرو خواهیم بود خوادروس و انگلیس را خوش آید و یا آلمان و عنایردا بد آید

ایمان این تصور غلط را باید از کله خود خارج کنند که اگر ما برخلاف مرضی همسایگان قدم بردام و بسجاف قبایشان بر خورد ما را در زیر پای سیاست خود خواهند سائید، و هرگاه بهبودیت ز آلمان پیش آمده اوامر و نوای آنها را گردن بردایتهای دوستانه تا مسترحمانه با خواهند فرود

خطای سیاسیون ما از یکصد سال باین طرف ننگه باریک بوده و این ننگه طیبی را از مدنظر دور داشته اند که خضوع و خشوع در نزد اسان علو طلب که سهل است در نزد حیوانات نیز جز فروتنی وزیر دستی بار نیارد، ملاحظه حال خروسان جنگی، این نکته را آشکار تواند نمود همین که مرعوب شده و سر بزیر انداخت جز مجروحی سر چیزی نصیبش نشود، ولی هرگاه با عدم قوت و قدرت هم طرف مقابل استقامت نماید طبعاً از تهور خود خواهد کاست، تازی بدان تهور در حینی که عقب آمو میجهد هرگاه شکارش روی بر گرداند بجای خویش خشک می شود، پس منجاوزین وقتی بجای خویش خواهند نشست که به بینند ما ترك سرعویبت گفته در راه استقلال وطن خویش و حقوق مشرعه آزادی خود آزادانه و بی باکانه راه بیاییم و با هر دولت و هر ملت که منافع خویش را به بینیم حقوق میدهم، دوستی میکنیم، تجارت میکنیم، امتیاز می بخشیم و و و -

ایرانیان سهو نمایند که دوستی آلمان سبب مزید فشار همسایگان تواند گردید بلکه اگر همسایگان ترك فشار بایران گویند وقتی خواهد بود که مصمم به بپندد ایرانیان را در اتحاد با آلمان، وضع ایران از آن گذشته است که دولتی بتوانند به بهانه دوستی ما با آلمان بر فشار خویش بیفزایند، بلکه اگر چیزی از فشار همسایگان کم نماید، هاما خونی است که آنها را از اتحاد ما با آلمان دامن گیر بشود، اینک که این مسئله آفتاب شده رجال دولت ما نباید از اظهارش خوف نمایند، ایران باید جمیع دول را در حقوق تجارتی یکسان داند و باب آزادی تجارت خویش را بروی جمع ملل و دول بدون ملاحظه واستثنا باز دارد، تجارت فقط عبارت از مبادله مال التجاره نیست، پول فر

اتوموبیل رانی و تشکیل بانک و کبابی و کار کردن در معادن و امثال آن تمام در مواد تجارتی شمار است

رجال ایران بدانند که هرگاه مراعات دوستی همسایگان را تا این پایه بنمایند که کلیه امتیازات تجارتی و صناعتی این مملکت را با آنها تقدیم کنند چه امیدی ببقای استقلال خویش خواهند داشت - امروز بقی استقلال ایران در آن است که هر قدر نتواند ابواب تجارت خود را با دول سائره پیش سازند و آنچه ممکن باشد بوسیله قلت تجارت از سیاست همسایگان بکاهند، در این موقع مرعوبیت رجال ما مسوم ساختن استقلال وطن است -

باقای جمیع سیاسدون امروزه خیرایران در دادن حقوق تجارتی به آلمان است - چگونه میتوان دعوی استقلال خواهی توده و از انجمله مهم محض خوش آمد همسایگان صرف نظر کرد. امروزه ملت ایران راست که پروسیله که ندانند و به هر طریقه که بتوانند اسباب مزید داد و ستد خویش را با تجار آلمانی زیاد نمایند چه هر قدر دولت آلمان در ایران دارای منافع اقتصادی گردد پایه استقلال ایران محکم تر خواهد گردید، و مسلک همسایگان نسبت با ما ملایم تر خواهد شد

پس ما راست که مراعات حفظ استقلال وطن عزیز خویش هر وسیله که توایم منافع اقتصادی آلمان را در ایران وارو زیانهای مالی خود رساندن نفع موقتی با آلمانیان باشد درین بنایم، و درین موضوع ترك مرعوبیت گفته با آواز بلند بدون دهشت منافع سیاسی خویش را به همسایگان حلی بنایم

مادر این موضوع از جراند ملیه ایران استکباریت داریم که تا کنون این مسئله بزرگ را چندان موضوع بحث خود قرار نداده و این برده پنداری را از جلو روی ملت بر نداشته کما بلیق مطلب را در کله اهالی جایی نداده تا ملت پشتیبان دولت گردیده اقلاً مرعوبیت موروثه دربار را قدری بزدايد

ملت ایران راست که از تهدیدات سیاسی همسایگان که درین موقع برای بیرون کردن ایرانیان از میدان پیش خواهند نمود از استقامت خود نگاهد ملت ایران راست که مانند سد سکندر درجا و این تهدیدات سیاسی ایستاده ترك مرعوبیت داشته حقوق خویش را حاسا بنمایند

ایرانیان باید بدانند که يك دست صدا ندارد - آلمان بخودی خود کاملاً در برابر رقابای خویش استقامت نتواند ورزید ولی هرگاه میلایست ایرانیان را چارخ خود بیند و تأییدات سری و علنی از ایران باید بقوت قلب خویش افزوده و پیش از پیش دو

مقام همراهی با ایران خواهد کوشید و هرگاه ایرانیان را مرعوب باید و داند که در میدات سیاست گونی نتوانند بود شرکت به آنان را دشوار تصور کرده تا آن درجه مقصود ما نخواهد ایستاد

تا که از جانب معشوقه نباشد کشتی کوشش عاشق بیچاره بجائی نرسد

مکتوب از رام هرمز

بسبب اختلاف در مواد معلومه درین سال بین بختیاری و کهگلویه جنگ است، شهاب السلطنه از حکومت بهمان معزول و برامهرس رفته که به (مال امیر) و از آنجا به بیلاق برود، عده زیادی سوا و پیاده برای محاربه کهگلویه از ایل جلیل بختیاری بجهان بهمان رفته اند، امیر مضخم و امیر خوانین بختیاری با اتباع رکابی خودشان از به مال امیر رفته که محاب بیلاق برود، این سردار ارفع شیخ عمره و خوانین سر حدود اراضی منصرفه ایشان از جانب خوانین بختیاری مکتوبی کاشتهکان خوانین به عمره فرستاده مکتوب مذکور پس از شاز فلیه بی جواب از خدمت شاز کرده و بنده سردار ارفع ماضری آمدید و حاجی رفته بودند طاهراً حکمران عربستان که برای فیصله بعضی اختلافات و اصلاح واقعه جوم سکود و دفاع از طرف بختیاری و مقاتله واقعه و امثاله بدزفول رفته بودند طاهراً رگشته اند ولی نتیجه مسافرت درست معلوم نشده است

چند یکی است که در قریه (بتوند) تب بزرگ که گویا محرقه و مضقه باشد و فور یافته و جمعی را هلاک کرده است لطف علی خان چهار تنگ بختیاری از قلعه قل با راه معدن ضت عبور و سپس بشوش رفته چونکه ویاست سواران شوشتر پس از عزل برادرش ظامراً با او شده است چند روز قبل در شوشتر مختصر گفتگوئی بین خوانین شهری واقع می شود (علام علی) نام از کاشتهگان قلی خان دشنامی بکاشته باقر خان می دهد در آن وقت زد و خوردی کشتاری بین اتباع طرفین واقع شده چون خبر واقعه بسمع باقر خان می رسد فوراً جمعی را فرستاده علام علی مذکور را حاضر کرده بیدرنگ امر بقتلش داده سرش را از تن جدا می کنند، چون این مطلب گوش زد قلی خان می کردند، جماعتی را بقصاص خون غلامعلی مقتول میا

است که ما را از ملاحظات شخصی و اشخاصی مبرا بدانند

بمروور ثابت خواهیم کرد که حسن ظن جراید ملی دو حق ما بخصاً ترفقه و اگر این همه زحمت را بر خود هموار کرده‌ایم فقط برای خدمت وطن و ابنای وطن است، از عدم انتشار تحریرات خود مان در جراید ابدأ دلگیر نخواهیم شد و از ایراداتی که جراید از روی ادله و براین و فکر و تحقیق بر اظهارات ما بکنند قلباً متشکر خواهیم بود، چون مقصود اصلی ما این است که مطالب مفیده بیشتر مطرح بشود و معتقدیم که در مباحثه و مذاکرات منافع پیشوار است مطلبی که نشر میشود اگر جلب توجه نکند از اطراف حمله و ایراد بر آن وارد نیاید و بیشتر مطرح مذاکره نگردد قابل نشر نبوده است

فقط در وطن برستی لازم است که قبل از ایراد هر مطلب ایراد و مطلب را اول زیر ما کنه فکسر انداخته و درست سنجیده و با دلایل عقلی مطرح کرد و یارد نمود «خیالات شخصی و آرزوهای خود را نمیشود عین حقیقت پنداشت و خود را وسیلهٔ پیشرفت مقاصد کسان نمود که به تبدیل لباس می خواهند پای اشخاص را برای تخریب اساس حالیه بیان آورد، و الا از حقیقت جونی ما دلایل عقلی و سیاسی در امور پلنهی که از وظایف ما است چگونه خوشوقت میشویم

از جراید ملی و دوستان و همسلکان خودمان متشکریم و از دیگران طالب دوت و توجه و اعراض میباشیم سعادت وطن و موفقیت دوستان و همایگان خود ما را از درگاه الهی مسألت میباشیم

◀ مایهٔ سعادت ایرانیان ▶

مایهٔ سعادت ایرانیان چیست؟ مایهٔ سعادت ایرانیان استقرار داخلی است، مایهٔ رو سفیدی ایرانیان بااستقرار داخلیست، بقاء حیات ایرانیان بااستقرار داخلیست، باعث نجات ایرانیان امروزه استقرار داخلیست، سبب استخلاص ایرانیان از سوختن آتش دهن ازدهای شمالی و بلعیدن تنگ جنوبی امروزه استقرار داخلیست، حفظ استقلال چندین هزار ساله ایران بااستقرار داخلیست، حفظ ناموس این مشتم مسلمانان امروز بااستقرار داخلیست،

کرده آغاز جنگ می شود، سایر خوانین نیز هر يك طرف را گرفته مقاله سختی واقع می گردد و چندین نفس از نفوس محترم بنی آدم فدای خرافات وحشیانه می شود

◀ مرکز اتحاد و ترقی پاریس ▶

تفتین مایهٔ بد بختی ما و بزرگترین مانع حرکت عرادهٔ ملی ما شده است هر کسی که بنیج روز بی مقصودی می رود و با مرجع خدمتی میشود وزارت یا وکالت حق در کاسی و صنایع طولی نمی کشد که مجبور شده اکثر بلکه تمام اوقات خود را صرف دفاع از مفسدین می کند و فرصت کار باقی نمی ماند ایواد بر اعمال دیگران همه جا آسان است ولی در ایران کثرت آدمان بی کار بیشتر مؤید این مسئله گشته و آسان تر کرده و بکلی دست وبای مباشرین خدمات عمومی را بسته و تمام اوقات آنها را بدفاع مصروف می کند و طولی نمی کشد که بعضی را مایوس و برخی را از خدمت متنز میبایند « وقت سر مایهٔ قهری کار است »

وزیر یا وکیل بچاره که از صبح تا شام دو ساعت فرصت نداشته باشد که بزراعت « فکر بکند » یا جراید داخله و خارجه را مطالعه نماید بطور می تواند از مسائل سیاسی و مطالب بین الدولی حرف زند، بدمختانه دفاع جدید اسباب افساد و حمله جدید مایهٔ مرید تصبیح وقت می گردد و این بدبختی تسلسل پیدا می کند

بی جهة نیست که اعمای هیئت مرکز اتحاد و ترقی پاریس محض اینکه قناعت در وقت کرده و اوقات خود را در ایمن نگه داشته و فقط به تحصیل مقاصد خود که خدمت و نجات وطن است صرف نماید خود را بکسی معری نمی کنند و از معایبی که ذکر شده مبرا است

مقصود مرکز در نیک و بدی اشخاص نیست و با کسی هم طرف نمی خواهیم بشویم اگر غیر از این بود از باره اقدامات تا حال در حق بعضی ها امتناع نمی کردیم

تحریرات مرکز اتحاد و ترقی تماماً از روی اطلاع و تحقیقات و حتماً از روی کمال صدق و صفا است و جراید در طبع و نشر و ایراد بر آنها طبعاً محتارند فقط خواهشی که از جراید داریم این

اخراج عساکر روس و انگلیس از ایران موقوف  
بقرض داخلیت ، دفع شرکات از سر مسلمانان  
موقوف بقرض داخلی است ، تحصیل قوای ناریه  
و نظامیه برای اصلاحات و تأمینات داخلی و دفاع  
عساکر خارجی موقوف بقرض داخلیت ، ایران  
ایران شدنش موقوف بحصول ثروت و استقراض  
داخلیت ،

پس بر هر وطن دوست و متبیار با اطلاع  
از اوضاع زمان و عالم بمقتضیات وقت لازم و حتم  
است که گوی مسابقت را در نصرت اسلام و  
احباء وطن عزیز خود روده و بقدم شتاب و  
عجلت آنچه بتواند قرض بدولت خود بدهد که  
زیر بار اجاب نرود ، جبهه قرض دادن چند کرور  
که حقیقه بردن شرف و استقلال ایران را در نظر  
داشته باشند و وطن عزیز را باین نمن بخش  
خریدار باشند ، آیا وقت آن نرسیده که ایرانیان  
قدری چشم های خود را بآلند و از خواب غفلت بیدار  
شده مسافع شخصی و نوعی را در اقدام بقرض  
دادن بدولت خود که حافظ جان و مال و ناموس  
آنها است بدانند؟ آیا نظر نمیکنند بساژ ملل و دول  
که چگونه ملیون ها بلکه ملیار ها بدولت خود  
قرض داده اند و باعث از هباد ثروت برای خود  
و زیادتی شوکت دولتشان گردیده اند؟ آیا هنوز  
ندانسته اند که اول قدم ترقی دولت و ملت باستقراض  
داخلیت؟ آیا تا بحال نفهمیده اند که آخر قدم ترقی  
مردولت و ملت باستقراض داخلیت ، و آخر تیریکه  
برایان در ترکش دارند برای حفظ استقلال و دفع  
بر اغیار استقراض داخلیت؟ آیا این نکته محنی  
ست بر ایرانیان که بعد از این همه هیاهو و هیجان  
اظهار همراهی عمومی در استقراض داخلی اگر  
هم عجلت و شتاب در این امر مسابقت ننمایند و  
بر کفایت پول میمانند دیگر شرفی برای آنها  
نمایند و مورد سخریه و استهزاء اجاب خواهند  
! آیا ملاحظه نموده اند ایرانیان که چگونه  
زمانه ( نامیس ) طعن میزند و میگوید؟ ولی  
جوهر طرح ها در سابق هم ریخته شده و ما یاد  
یم یکی از آنها خزانه را بر کرده باشد ،  
ای برادران من سماء است که در باب استقراض  
اب غفلت بیدار شده اید ، تا بحال چند ملیون

میرا شده برای قرض ، گویا بصرف اظهار حضور  
و همراهی اکتفاء خواهید نمود؟ آیا کمی تأمل  
نموده در معنی کلام روز نامه نامیس که مرادش  
جیست از اینکه میگوید « ایرانی همیشه بآینده  
امیدوار است » و اخبار نمودن او باینکه این  
استقراض داخلی پیشرفت نخواهد کرد ، از چه  
جبهه است ملاحظه کن این چند ماهه که ایرانیان  
در این فکر افتاده اند و دولت را از استقراض  
خارجی منع نموده اند با این هیاهو و هیجان تا  
بحال چند کرور میرا نموده بعد از این هم خواهند  
فراهم آورد؟ اگر تا بحال از کنایات مقصود را  
را نرسیدی صریحاً بگویم این آخر تیر دولت ایران  
است که برای دفع اجاب ذخیره نموده بود و اگر  
از چیزی مسابه جنوبی و شمالی ایران مرعوب بود  
قط از اتفاق ملت ایرانش در امری بود ، اگر  
چنانچه عموم ملت و همه بلاد ایران دامن همت بر  
کر زدند و در کمال عجلت و شتاب این چند ملیون  
را که دولت اعلان قرض میدهد فراهم و تسلیم  
نمودند مشت خود را در زد اجاب باز خواهند  
نمود ، لکن اصناف اینستکه تقصیری در تاخیر این  
استقراض جدید بر ملت نمیتوان وارد آورد ، بلکه  
اگر اولیای امور مسامحه و توانی نموده بودند تا  
بحال بیشتر از این مقدار همت و جلالدت از عموم  
ملت مشاهده شده بود

از یک نکته نباید غافل شد که امر استقراض  
داخلی رشته میباشد که یک سر آن مربوط باهتمام  
عموم ملت و یک طرف آن بسته بحسن اقدامات  
و اتقائ امور اولیاء دولت ایران است ،  
ملت ایرانش حاضر شده اند برای استقراض داخلی ،  
لکن باید تری عمل نمایند که سبب سوختگی  
دماغ ملت نشود ، تا اینکه وثیقه و محل اداء این  
استقراض معلوم نشود از روی استحکام و اتفاق و  
تعمین مواردیکه این پول را قرض میبایند برای  
صرف نمودن در آن از اصلاحات و تنظیمات و  
و تأمینات و تحصیل قوای عسکریه و ناریه و حفظ  
نور و و و و که هر یک از مصارف علنی و روشن  
باشد با تمام خصوصیات نه همین قدر ملت بیچاره  
از گلوی خود باز کرده بول را تسلیم اولیای دولت  
نمایند و مصرفرا ندانند و باز کیه دولت تهن و



روز بروز احتیاج آن زیاد تر بشود، یا اینکه مثل قضیه بنگ در دوره مشروطه صغیر بشود دولت جدید فرض نماید که این قرض از خارجه شده و شرط نموده که يك کبسون مخصوصی با شرایط مزبوره برای تمین مخارج خواسته فعلاً بکپول از مبلغ این استقراض را خرج نماید مگر بامضاء کبسیون صحیحی و اگر اولیاء دولت جدید ایران نخواهند که بعد از این بمجرد اعلان قرض از داخله و خارجه برای آنها پول ببارد باید اهتمام نمایند در اینکه محل مستحکم معتبری برای اداء این استقراض داخلی فراهم آرند که در هیچ زمانی در اداء قسط تاخیر نشود و در شروط و کیفیت ایصال هم رشته مرتب نمایند که عسرت برای هیچیک از افراد ملت نباشد مختصراً اینک وقت امتحان پیش آمده برای اولیای امور و خیر خواهان ملت ایران که صدق دعوی ایشان در نوع برستی معلوم گردد و تطابق حال ما قال ظاهر شود که در این مورد نازک از روی دقت ملاحظه جهات را نمایند که نه سیخ بسوزد و نه کباب

پس سزاوار اینست که نوعی بفرمایند اولیاء امور که اسباب تشویق عموم ملت بشود نه اینکه این استقراض را يك قسم گول زدن خیال کنند عموم ملت برای تحصیل پول و پشت دست خود را داغ گذارد که دیگر همراهی نماید و دیگر گول دولت را نخورد و دفع این محذور نمیشود مگر باهتمام در آنچه عرض شد

من آنچه شرط بلاغ است با تو میگویم

تو خواه از سخنم بند گیر و خواه ملال

اقل الطالبه صدرالدین نجل

حاجی سید محمد جواد اصفهانی

نطق مؤثرانه رئیس دارالشورای

( ملی ایران در رحلت اعلیحضرت )

( ادورد هتم پادشاه انگلستان )

در میان عظمت ها و حوادث واقعه دنیا یاره عظمت ها هست که جلالت انسانی هر قدر باشد در مقابل آن متزلزل میشود، چون بدبختانه هر قدر عرض کنم راجع به يك ناگواری خواهد بود که آن مرگ است، لذا خواهش میکنم که آفتاب مرا بر نهد و در حال قیام اصفا فرمایند

اعلیحضرت ادورد هتم پادشاه انگلستان و پادشاه هندوستان جهان فانی را در هتم (مه) بدورد گفتند این وقعه اسف انگیز در عمه روی زمین و برای همه عالم موجب يك تأسف عمومی شده است و در میان چنین مصیبتها نباید فقط رعایت این را کرد که يك سلطان عظیم الشانی از جهان رفته است، برای آنکه خلیل تاجداران که صاحبان جاه و مقام بلند بودند در دنیا آمده و رفته اند و خواهند آمد، ولی اینکه اغلب را مجبور میکنند که در موارد بعضی دون بعضی تاثرات بیشتر می شود این است که صفات و خصایل این پادشاه را وقتی که میگذاریم بهلوی سلطنت مسا می بینیم تاثر آن عالم گیر میشود، صفات و خصایل مستوره این پادشاه بقدری معلوم و مسلم است که بنده میخوانم در این باب چیزی عرض کنم، برای آنکه اگر چیزی را اینجا عرض کنم شاید از شدت نقصان آن اثری را که میخوانم نبخشند همین قدر عرض میکنم این پادشاه ذی جاه علاوه بر آن مقامات چنان مسلم و معروف بوده است و در مجامع عالیه اخلاقی که در ارتقا انسان بحدارج عالیه شرافت و سعادت همیشه دخالت و ریاست کایه داشته، این مطلب معلوم است که در میان تمام ملت ایران و محافل عالیه دولت این اتفاق بقدر موجب تأسف و تحسر گردیده است، علاوه بر آن مناسبات مستحده و قدیمه که در میان دولت و ملت ایران و انگلستان هست اخیراً همه میدانیم و هرگز فراموش نخواهیم کرد که ملت نجیب انگلیس در تحت ریاست این پادشاه ذی جاه بقدر باساس حریت ایران مساعدت کرده اند، این پادشاه در حفظ صلح عمومی به قدری خدمت کرده که البته صفحه تاریخ آن خدمات را ضبط کرده است، پس در مقابل اهمیت و عظمت این فقدان بزرگ که امروز بملت نجیب انگلیس رو کرده است که اثرات خودش را در تمام عالم بخشیده است ملت هم از صمیم قلب اشتراک میکنند، در این صورت گمان میکنم که مجلس شورای ملی شرکت میکند با من که تاثرات خود مان را به پارلمان انگلیس اظهار کنیم، تا معلوم باشد که ملت ایران در این مصیبت و سوگواری با ملت نجیب انگلستان شریک است



استقراض داخلی

فرض بیان ضرر و زیان استقراض خارجی خاصه برای دولت نو نهال ایران است. سپا از این قرض دهندگان علی الخصوص با آن شرائط خانه بر انداز که پیش نهاد وزارت خارجه نمودند و نفع و لزوم استقراض داخلی و ترغیب و تحریص ایرانیان بر اقدام در آن مقامات نیست، چه مدتی است روزنامه‌های آزاد اصلاح طلب و نگارندگان خیر خواه این تراه را گوش زد ملت نمودند و از هیچگونه کنج کوری و موشگافی فرو گذاری نکردند چه رسد با آشکار بودن اصل مطلب نزد خردمندان عاقبت اندیش، پس سخن در این موضوع راندن از قبیل توضیح واضحات خواهد بود ولی از یک نکته باریکی نباید غافل شد و شاید از شده آشکار بودنش ارباب قلم ترك او را گفته و گوش زد ایرانیان نکرده، آن نکته چیست؟

آن نکته طبیعی آشکار این است که هر بده کاری که تصور شود یک نوع ذات و خواری و فروشی در خور خویش احساس میکند نسبت قرض دهنده چنانکه هر قرض دهنده یک نوع برتری و حق برای خود نسبت به بده کار می بیند و این برتری و حق و آن خواری و فروشی امری طبیعی و قرض دهنده و بده کار هر کس که باشد و قرض هر چه باشد حق در قرض الحسنه و وام و مجانی این است، که شاعر مقدس تعبیر از دیدار بده کار قرض دهنده را ( بحیضه الرجال ) فرموده و شاید اشخاصی که در بازار بده کارند این مطلب را بهتر می یابند و در وقت دیدن قرض دهنده فروشی خویش بهتر می رسند این امر طبیعی در زمانی که قرض دهنده قصد سوء نسبت به بده کار ندارد و مطالبه قرض خود را هم نکرده و در خیال از پا در آوردن بده کار هم نیست و ابدا وجه قرض دهنده سلب اختیار و امتیازی نسبت به بده کار نخواهد کرد، فقط این برتری و آن فروشی لازمه طبیعی بده کاری و قرض دهنده کی است، پس چه خواهد بود حال بده کار بی چاره در صورتی که قرض دهنده جز سلب اختیار و امتیاز و رقیبت او غرضی ندارد و غیر از خراب نمودن خانه بده کار در فکرش چیزی نگذشته، چرا واضح نگویم، بده کار چه حال خواهد داشت اگر بداند که باین وجه او را زور خرید خواهد کرد و جیره خور

خویش خواهد نمود، بدیهی است خردمندان حق الامکان اقدام بر چنین قرضی نخواهند کرد و آزادی و استقلال خود را از دست نخواهند داد

این است که ملت نجیب وطن دوست ایران باین نکته رسیده و عواقب وخیمه این قرضه توام را فهمیده بکلمه واحد رد نموده و خود حاضر گردیده که احتیاجات دولت جدید خویش را رفع کند و خود بخود قرض دهد و کتبا و تلگرافاً از جمیع مراکز حاضر بودن خود را در استقراض داخلی گوش زد اولیای امور و نماینده گان خود نمودند و دوستی وطن و استقلال خویش را بعالمیان فهایند و دولت خود را با استقراض داخلی و رد قطعی استقراض خارجی وا داشتند (بنازیم باین غیرت) ولی دولت و ملت ایران راست که خطریت این موقع را بداند و هر یک از عهده خود بخوبی در آید

ایرانیان بدانند که رقبای هوشیار خود با کمال جدیت در صدد فراهم نیامدن اسباب استقراض داخلی خواهند کوشید و دست خیانت کارانه خارجه و داخله با کمال فعالیت در تخریب این اساس قوم خواهد کار کرد و جنم و گوش خود را باز کرده که بشنوند و ببینند که آیا ایرانیان مطابق اظهارات خود بکجه پیشنهاد دار الشورای ملی نمودند و در خواهند نمود و قول و گفتمان آمان مطابق فعل و کردار خواهد شد یا نه . . . . . بی اگر ایرانیان مطابق گفتمان های خود عمل کردند و این قرض را بدولت خویش برداختند و صدق گفتمان خود را بعالمیان نشان دادند استقلال وطن خویش را نگهدارند شرف قومیت و دین، و آیین خود را نگهبان خواهند بود و دست خیانت کارانه دشمنان قوی بجه را از دامهای عصمت خویش و آرزوهای دیرینه رقبای کهن سال خود را خواهند قطع نمود و بنام نیک خویشتن صفحات تواریخ ملل و اقوام عالم را زینت خواهند داد و بالعکس ( خدای نخواسته ) اگر این استقراض داخلی از حیز قول قدم بدائره فعل نهاد و این وجه قلیل را بدولت خویش نه برداختند مورد طمن و سب و سرزنش دشمنان میشوند، سهل است استقلال و شرف خود را خواهند وداع گفت و عزت و شوکت خویش را خواهند از دست داد و باز خواهند بآن استقراض توام خانه بر انداز

مجبور شد و دست احتیاج را بسوی دیگران و بیگانان خواهند دراز کرد آن وقت حال ایران و ایرانیان چه خواهد شد، وجدان پاک ایرانی نژاد در این موقع حاکم است و خواهیم در وقتی پشیمان شد که سودی نخواهد داشت

از این نکته هم نباید غفلت ورزید که در آن وقت و آن حال رقبا شش اسبه خواهند تاخت و اکتفا باین شرائط حالیه نخواهند نمود و بالضروره شرائط چندی خواهند افزود و آنچه در دلهای سیاسی قرض دهندگان است صاف خواهند بروز داده و بآن بده نقشه دیرینه بطر کبیر را خواهند ریخت و ایرانیان از این هیجان ملی بجز خسران وبدنامی سودی نخواهند داشت، پس ایرانیان راست که با کمال جدیت و فعالیت در این میدان امتحان قدم زده و گناتارهای خود را بکردار توأم سازند و این مسئله را چون سایر مسائل و اصلاحات که بگناتار اکتفا مینمودند نیندارند که این آخر عقبه ایست که باید به پیابید این است تکلیف امروزه ایرانیان و اما تکلیف دولت

دولت نونهال ایران راست که صداقت وجدیت و فعالیت و امانت خود را بملت فشانند و فرق میان دولت حایه و دولت سابقه را بمعوم ملت برسانند این اول قرضی است که دولت ایران از ملت کرده و این اول امتحانی است برای دولت جدید، پس دولت راست که ملت را اضمینان داده سود وجه استقراضی را در وقت خود بدهد و در زمان انقضای مدت تمام مبلغ بقرض دهندگان به بردازد، و مصارف این ده کرور پول را بتوسط روزنامهها گوش زد ملت نماید و طریق اقتصاد را در مصارف به پیابد و در اصلاحات الامم فالامم را پیش بپندازد اگر دولت جدید ایران خیر خواهی و صداقت خود را برای ملت ظاهر ساخت بعد از این اگر اعلان دو بست ~~مکرور~~ قرض نماید در حده کمی جمع خواهد کرد و بجمع آوری هر قدر اعلان نماید کامیاب خواهد شد و الا باید فاتحه اعتبار خود را بخواند و توقع قرض داخلی بعد از این نه نماید که بجز خسران سودی نخواهد داشت و خویشین را چون اداره سابقه معرفی خواهد کرد

اداره سابقه نه بندگان اضمینان ملت را از دولت

سلب نموده که قابل تحریر و تقریر باشد و هر آینه اگر دولت جدید ملت را از خود مطمئن ساخت، تمام پولهائی که در بنکهای خارجه سپرده شده و سود آن را توب و تنگ کرده و بصاحبان پول بزنند در بانک ملی ایرانی جمع خواهد شد، ایرانیانی که از شکنجه استبداد در اطراف براکنده شده اند بوطن مألوف خود عودت خواهند نمود و بازارهای مملکت خوبتر را معمور خواهند ساخت، زردشتیهای ایرانی نژاد که از ترس و بیم اداره سابقه سکناى خارجه را اختیار ~~مکروند~~ بوطن محبوب خویش خواهند برگشت

بلی سبب چیست که ایرانی نژادها در خارجه ساکن شده اند که غیر از غربت و حسرت و مان خویش و آرزوی برگشتن نصیبی ندارند . . . . . آری ای ایرانی نژادها، ای آن کسانی که چشم امید وطن امروزه بسوی شما متوجه است، آتش سب و بشکت و آن پیمانه ریخت، گذشت زمان ظلم و تعدی و امتیازات ناحق، رسید زمان برگشتن و معاونت بوض خویش، اینک بساط عدل گسترده و دست تعدی ظالمان قطع و تمام امتیازات غیر مشروع برطرف شده، امروز روزی است که تمام ایرانیان یک دل یک مقصد شده در حفظ استقلال و ننگهبانی وطن و نگهداری شرف خویش بکوشند و در زیر سایه بیرق شیر خورشید زندگانی نمایند

مقام منبع ریاست روحانی راست که نظر کیمیا اثر خود را متوجه این نسکته فرموده و در این استقراض داخلی پیش قدمی نموده و خویشین را شریک ملت فرماید چه آن وجود های مقدس بهتر از دیگران و حقیقت امر آگاهند و حراست دین و ننگهبانی مسلمانان را از آن دوات طایفه طاهره شارع مقدس خواسته و آنها را پیشوا و مقتدی و راهنمای مسلمانان قرار داده، پس چه قدر سزاوار است که ایرانیان را بکردار خویش بسوی این خدمت بزرگ اسلامی دعوت فرماید و برای ملل و اقوام عالم بهتر ظاهر و هویدا سازند که مقام ریاست روحانی اول داعی است بسوی ترقی و تمدن و حفظ وطن و استقلال و ننگهبانی دین و آیین و نگهداری فرزندان روحانی خود ( آقای صدر زاده )

یک چشم عاقبت بین

در ملک قانونی چنانچه از گذشته آن ملت ملاحظه مواد نفع و ضرر آن قوم را نموده و برای اصلاح حالیه و سعادت فعلیه آن جمع قانون گذارنده اند، همچنین در آن قانون صلاح آینده آن جمع را نیز ملاحظه کرده و کلیات اجالی آنیه را منظور نظر داشته اند و بسبب ابرت واضح قانون عبارت از مواد است که بیان میکند مواد اصلاحات در امور حالیه و آینده یک ملتی که در گذشته از مواد ضایعات آن ملت بوده یا از جهت غلبه جهل بر افراد آن ملت و یا از تم و خوش گذرانی رجال دولت و یا از حیث مضمونیت و قهورت از دیگران مثلاً اگر بعد از این گرجستان، ارمنستان، افغانستان، و هندوستان از دست انگلیس و روس خلاصی یابند و برای خود دولت قانونی تشکیل دهند مواد را برای خود قانون خواهند کرد که در مدت مضمونیت بطاول دست تعدی فاصدین رفته بود چنانچه هر دولت را که امروز در زیر قانون جمهوریت و یا مشروطیت رفته اند اگر درست ملاحظه کنیم و گذشته او را با دقت بسنجیم و یک یک را با مواد قانون فعلیشان موازنه کنیم هر یک ماده را یک فصل اجالی تاریخ از گذشته آن ملت خواهیم درک کرد که در چه زمان متضرر و در کدامین قرن مستفید بوده اند و بجهت بیشتر احتیاج داشتند و چه چیز را از دست داده بودند و امروز دارای کدامین ماده هستند، و اگر درست با نظر دقت بر تالی قوانین فعلیه را ملاحظه کنیم خواهیم دید که تمام قانونها یک امر طبیعی و یک ماده حسی و وجدانی را بر خود اساس گرفته و ابدأ با آن دایره بیرون نهاده و او (حریت و آزادی) است که با یک سریان طبیعی در کلیه مواد قانون سیر کرده و خود را بر تمام فصول پایه و پایه قرار داده و از این معلوم خواهد شد که اولین چیزی که از یک ملت منهدن فعلی در گذشته بیضا رفته همانا (حریت - آزادی) است، پس اول اساس اصلاحات و ترقی هر ملت آزادی است چنانچه خرابی و بربادی هر ملت (رقیت - اسیری) است و شرع و عقل در اینجا هر دو شریک و هر دو متفق و صد و بیست و چهار هزار پیغمبر و تمام عقلا بجهت

تبلیغ این معنی و برای پاسایی این سر قدم بعرضه تبلیغ گذاشته و اتباع خود را دعوت کرده اند و تمام احکام و اوامر مطاع و تکالیف خود را در پیرامون این امر قرار داده و همه این نکته را مرکز گرفته اند

پس لازم است که پیش از شروع بمقصد با مختصر بیانی معنی حریت را کرده باشم پس بسر مطلب آیم - (حریت - آزادی) یک نعمت خدا دادی است بر افراد بشر و هیچ کس را در این مداخله نه، و ذات بشری خود علت نامه تشکیل این معنی است، (حریت) بمعنی بی قیدی و خودسری نیست که مردمان و ذلیل در اجراء مقاصد حیوانیه خود ضرب المثل نموده و روح آزادی را از خود منزجر و تمام انبیاء کرام را بر خود دشمن میگیرند (حریت) کلیه حقوق طبیعی و موضوعه را گویند که از روی قانون طبیعی و عارضی عارض لایفک انسان است و هر فردی حق صریح اگر نباشد کسی دارای (حریت) دارای هیچ چیز از عالم نیست و بغیر از روح نبسانی ارواح دیگر ندارند، و از اینجا معلوم خواهد شد که هر ملتی قدم در میدان حفظ حقوق و مالکیت گذارد از همه چیز اول باید حریت خود را دریابد یا تمام حقوق خود را تحصیل کند

و حقوق امری است منتشر در بین افراد که هر فردی را در زیر بال و بر خود با یک علقه جمع کرده زید را با عمرو آشنا ساخته و عمرو را با بکر طرف انداخته و این هم بدیهی است که اگر افراد یک ملت بخواهند حقوق خود را نگهداری کنند و نگذارند که دست اجانب بر دامن عصمت آنان دراز شود محتاج یک اجتماع و اتحادی هستند که در زیر سایه این دو رکن آبادی بتوانند حقوق خود را دریابند و دست تعدی دیگران را از خود بگردانند و از آن جا که اجتماع و اتحاد افراد یک ملت که اقلاً مرکب از ده ملیوت نفوس باشند امری است محال پس بحکم عقل باید چیزی را که بتواند قائم مقام این اساس شود او را بگیرند و نتیجه را از او تحصیل نمایند

و همانا آن قائم مقام (انتخاب) است که یک ملتی برای رفع حوائج خود چند نفر را بر سمیت



از میان خود انتخاب کرده و آنها را چون خود  
بشناسد که در این صورت فایده آن اجتماع غیر ممکن  
حاصل و هم رفع حوائج خود را کرده و مالک حقوق  
خود شده و این منتخبین را در دوره قانون وکیل  
یا مبعوث گویند و محل اجتماع آنان را دارالشوری  
نامند که وکلاء امت از هر طرف مملکت شد و حال  
کرده و در آن انجمن جمع و یک دل و یک جهت  
در رفع حوائج و صلاح بی بی موکلین خود اشتغال  
ورزیده و ضایعات گذشته آن ملت را یک یک به  
اقتضای زمان بموقع مذاکره گذاشته و تحت قاعده  
اجراء درآورد (میر عماد تقیب زاده تبریزی)

✽ مکتوب از بوشهر ✽

یک هفته است که محمدالله تعالی میکروبهای  
طامری رفع گردیده و سورت گرما عنومات  
مسئدنه که باعث مرض و مولد میکروب طاعون  
بود زائل و نابود گردانیده جدیداً کسی گرفتار  
نشده و مصابین قدیم نیز از برکت ائمه اطهار شفا  
یافتند. آنچه در این مدت بیکاهه بواسطه این مرض از  
روی دفتر مستوفیات مایب الحکومه شهرت یافته بجاه  
و شن فر بوده است همینکه مردم مطمئن شدند  
که ناخوشی برطرف شده ببادت اولیه عود خواهند  
مود و تمیز کردن و رویدن کوچها را بدعت و  
حرام خواهند دانست و عن قریب است بواسطه  
تفسیر مایب الحکومه این اقدامات جدید که عبارت  
از تطییف شهر و نصب چراغ و اطلاع از حالات  
مرضا و تعیین عده امواد که مخالف با مسلك  
حکمرانی است موقوف خواهد گردید.

عجبادر شماره ۴۳ نامه مقدسه در تحت عنوان دستگاه  
تازه نوشته شد است که طرفداران حکومت میخواهند  
بزرور بوشهر را محل روز مکروب طاعون قرار داده  
حکومت موهومی جدید را مرعوب سازند و حال  
آنکه وسائل این طرفداران در ابقاء حکومت حایله  
بطرق مختلفه از قبیل راپورتهای کم منفعت است و  
راپورت های بر مضرت بسیار دروغ و اشتباهکاری  
و تصدیقات جعلی از زبان علماء و تجار و مرعوب  
ساختن اهالی و فرستادن بعضی ظاهراً اصلاح ها بعتبات  
طالبات و غیره و غیره میباشد نه این کار های جرئی  
موفق که خلافت باطریق ظاهر و هویدا گردد.  
علاوه بر این از قرار شیوع عیال کلانتر بلکه

میکوبند خود کلانتر هم از جمله مصابین به این  
ناخوشی بوده و گویا وقوع یکی از آنها بصحت  
پیوسته است تثبیت باین گونه علل و وسایط جزئی  
کار حفا و بهداشت این زمره اشخاص هر یک  
علی الاختلاف مراتبها خود را جای نشین شیخ نوری  
و غیره و غیره میدانند، کجا باین حدیث ما متمسک  
میشوند گویا صاحب مکتوب عمداً سهو کرده یا آنکه  
میخواسته مطالب حقه که شرح اعمال قبیحه آنها بوده  
حل باین خبر جعل نماید، ولی هیات هیات کوس  
روائی را بر سر بازار زدند، نصب حقوق نوعیه  
چندین هزار نفوس که دست یاری طالب الریاستها  
بمدد یک نفر مدلس شده و قهار حقیقی کینفر و  
عقوبت از شما خواهد کشید یک خبر معمول مشردع  
نخواهد شد، و بری الدمه نخواهد گردید فکر دیگر  
باید کرد که باین جزئی ها ظامر نمیشود.

دو روز است منتشر شده که در باب یکی از توقف  
در بندر عباسی به تنگ آمده، و در همین هفته با  
جهاز تجارتی بوشهر خواهد آمد افسوس از آن  
زحمان است که این شخص چنانچه ما در طهران  
سراغ داشتیم در دارالذنون تحصیل نموده اگر این  
علم بی عمل بگذرد بمعلومات خود صادقانه عمل  
می نمود و باندازه علم و خدمت خود راضی بمحقق  
می شد و تدلیسات زمان استبداد که تا یک اندازه  
لازمه وجود حکام بود فراموش می نمود ملت بوشهر  
و نادر بجای اینکه اکتونف با تمام وعزل و تنی  
او راضی هستند او را می برستیدند و اگر اولیاء  
دولت قهرراً از ما و ریت نادر معزولش میکنند  
اهالی او را بخدمت ملی و وکالت دارالشورای منتخب  
و سرافرازش می نمودند، ولی حیف و صد حیف  
که ماول اقامت و اعمال بطریق سخیفه استبدادیه و  
مجالست بعضی جهال بی علم انسان را جاهل عامی  
حریص طماع خرج تراش می نماید این است که  
بزرگان فرموده اند (لا تسئل المرء و اسئل عن قریبه)  
ای ملت ایران ای امانه دولت ای وکلاء ملت، ما  
اهالی بنادر از عموم آقایان و بزرگان یک سؤالی  
نموده عاجزانه استدعای جواب داریم - آیا کسیکه در  
تمام دستگاه حکومتی یک نفر منشی قابل یک دفتر  
انشاء، یک نفر نایب الحکومه دانا، یک نفر اجراء  
صمیم نداشته باشد، قابل ولایت از بواء، حکم

بنادر که از حیث اهمیت اعظم حکومت گیلان است میباشد؟ آیا يك نفر با وجود همه نوع مزایای نعیش فقط با يك چوب دستی ضخیم بدون هیچ اداره از عهده حکومت این نقطه مهم بر می آید؟ آیا دستگاه و اجزاء و کارکنان اداره حکومتی باید بیشتر باشد، یا دستگاه يك قونسول اجنبی؟ و حال آنکه در هر يك از اداره قونسلات بیگانه مقیم بنادر از بجهه نظر عامل عالم باستانه نوکر تا پنج نفر موجود است، و بد بختانه اداره حکومتی بنادر يك نفر کارکن مانند آنها ندارد، به بیند معنای حکومت، مشاهده نماید منای کفایت، اگر سایر حکام ایرانی و دستگاه ایشان چنین است پس وای بر ایران، وای بر ایران، وای بر ایران، ای ایران ایران ای بنادر عزیز ای وطن مهربان، تاکی این ناخندان بیشرم را سکه مصدر همه نوع خیانت بناموس تو هستند مهات داده که با کمال بی شرفی دستها و انگشتان نازنین نورا که بخون فرزندان غیورت مانند دیشیر - بهرام شاپور - نوشیروان شاه عباس صوفی و در این دوره انقلاب مانند شیران شیور آذربایجان رنگین شده قطع نمایند، حال که از وطن جوابی نمی شنویم، ای ابناء وطن شمارا بخدا قسم توجهی بحال ما نمائید، جنوب وطن شما آدم میخواهد، کارکن میخواهد، حاکم بی عرض میخواهد، ادارات تحریج میخواهد، مبارف میخواهد، ای وکلا دارالشورا، آیا نمی برسید چرا وکیل بنادر بیامد؟ آیا شما فقط وکیل محال انتخاب خود هستید یا وکیل جمیع ایران؟ پس چرا عطف نظری بحباب بنادر نمی نمائید، ای وکلاییکه بر حسب وظائف شخصی در بنادر بوده اید و سابقه معرفت بحال بنادر دارید شما که اهمیت این سرحد را میدانید بر شما معلوم است که بنادر محافظ ندارد، تو بخانه ندارد، قورخانه ندارد، سرباز ندارد، هیچ ندارد، دارالحکومه خراب و ویرانه، سربازخانه قورخانه تو بخانه از برکت اعمال صاحب منصبان و حکام مزبله شده قسمی که حضرت از توطن در آن نفرت دارند، آخر تاکی راضی میشوید که این سرحد در انظار بیگانگان خراب و بیشتر باعث پشرفت اجنبی گردد؟ ما هر چه باولیا امور متمسک میشویم فایده نمی بخشد شما

قدر مساعه از اولیا دولت جز پشمانی در آخر نتیجه نخواهد بخشید

بر حسب بروز پاره خیالات و توجهات بعضی از هموطنان دور و نزدیک بعض امور تشریح طلب است که منجمله مسافت جناب میرزا محمد مهدی خان معاون المالك مستوفی و پیشکار و محرم اسرار جناب صولت الدوله است بمحمره و عراق و بشتکوه، و ملاقات با حضرت معزالسلطه سردار ارفع و آقای سردار اشرف و غیرها که شرح این و صورت چند ماده از مواد معاهده نامه فیابین سرداران تلافی را که از محل مستوفی بدست آورده ایم در این شماره و باقی هارا هم انشاءالله در شماره های بعد مشروح میداریم تا کرد پاره خیالات از صفحه ضایع بعض اشخاص سزده شود و بدانند مطلب و رای اشهرات بعضی از مغرضین است، و جز آن نیست که گفتیم برخی اشخاص همه جور برای تحصیل فواید شخصی خود شان دارند مشغول گل آلود کردن آب هستند و اگر روشنائی ضعیفی از دور به بینند آنرا حریق خرمین روز دانسته بنیاد آتش افروزی میکنند چنانکه میز تحریر اداره ما بر از آن گوه اخبارات هولناک است که به هیچیک از آنها عجاتاً و امروزه نمیتوان اعتماد کرد که گاه را کوه و دره را ابوه فرض کرده اند

( شرح مسافرت جناب معاون المالك )

چنانیکه در شماره های قبل از مراجعت جناب آقا میرزا مهدی خان معاون المالك از عتبات عرش درجات اشارت کردیم، مزی الیه چند ماه قبل برای ترتیب تنظیم راه ها و سهولت عبور قوافل از بوشهر بشیراز و قرار و مدار بخوانین دشتستان وارد بوشهر شده پس از انجام آن مأموریت باسم زیارت به محمره حرکت کرد، در محمره شرح مأموریت خود را به آقای سردار ارفع معروض میدارد و از جانب آقای صولت الدوله سردار عشار ایشان را به اتحاد و اتفاق دعوت مینماید و استحکام این اتحاد را که یکباره صحنه جنوب ایران از معرض مخاطرات ناامنی و بی نظمی مصون باشد و لاسها در عدم امنیت فرصت بهانه بدست همسایگان بهانه جو نیتند منوط بانحاد و اتفاق آقای سردار اشرف والی

دعوت مینماید و ایشانهم امینی از طرف خود شان  
بفیلده فرستاده عمل معاهده را انجام میدهند و سپس  
معاون المالك بشكرانه انجام این خدمت ذقیقت عازم  
زیارت شده و پس از اكمال زیارات مقبوله و کسب  
فیض از آستان مقدس حضرات آباء الله فی الامام  
حجج الاسلام دامت برکاتهم با نیل مرام مراجعت  
عمود و همسایر وطن خود شدند که میتوان معاون  
المالك را به نیل این توفیق و انجام چنین خدمت  
ذقیقتی تبریک گفت

مکتوب از محرمه

رفتار ناهنجار بعضی عمال ولایت (بصره)  
در باره اتباع ایرانی ساکن (کوت زین) که حدود  
بصره و (محرمه) است بقرار معلوم خیلی برای  
توابع و سرحدات و بلکه برای اهالی خود بصره  
اسباب وحشت و دهشت شده است که مبادا  
ضوایف این طرف جوی حکومت محرمه بمقام انتقام  
برآیند ولی متاسفانه و صلح طلبی سردار ارفع و خیر  
اندیشی جنابان (حاج میرزا حمزه خان و حاج رئیس)  
بشکار مانع از این است که در این حدود نیز  
مشغله برای اوایسای دولتمین اسلام احداث شود ،  
علاوه برخی محترمین هم توسط در اصلاح دارند و  
امید است بسهولت و خیریت بگذرد (سردار ارفع)  
که موافق معمول سنواتی به (کارون) و محل موسوم  
به (مظفری) که در آن سواحل است رفته بودند  
پس از ترتیبات و انجام امور آن صنحات چند روز است  
که عودت به (محرمه) و مرکز حکمرانی فرموده و  
در حقیقت معاودت ایشان برای عموم اسباب مزید  
تسلی است .

به اجازه (سردار) و صوابدید (حاج رئیس) هیئت  
رئسه محض سرکنی بکار مدرسه (خزعلیه) انتخاب  
و اختیار شده، و فعلاً يك دو روز گاهی در عمارت  
کار گذارشی و گاهی در مدرسه اجتماع و مذاکره و  
مشاوره میکنند و وقت دائمی این مجلس را به اکثریت  
آراء عصر های یکشنبه را قرار داده اند، اعضای آن  
جناب (اعتملاء الدوله) کارگذار، جنابان (حاج  
نصیرالتجار) و (حاج مشیرالتجار) جناب (میرزا  
بصرافه خان) بانگ، جناب (آقا عبدالنبي) تاجر  
بههانی، جناب (حاج محمد یسین) تاجر شوشتری  
خبر...

و متر (تبریزل) و (آقا عبدالامیر) نحویلدار  
گمرک است

مذاکرات منحصر به پیشرفت امور مدرسه و  
و معارف و بدیهی است مصداق هر چه دیر آید  
دوست آید خواهد بود و عنقریب به توجه (سردار)  
این مدرسه ترقیست فوق العاده خواهد نمود  
خاصه اینکه (حاج رئیس) با تبحر قرار گذارده  
اند که مثل (بوشهر) از هر بار وارد و  
صادر چیزی اعانه بمدرسه بدهند و حاج میرزا حمزه  
خان نیز که به حلیه معارف پروری و خیر خواهی  
آراسته است بر ذمه قنوت خود گرفته ماهی (۱۰)  
تومان که سالی (۱۲۰) تومان باشد به این مدرسه  
همراهی نماید، به فرموده (سردار) و تصویب ولد  
ارشد نامدار ایشان نصره الملك (شیخ جاسب خان)  
حام (ناصری - اهواز) جناب حاج رئیس ترتیب  
يك مدرسه هم در (ناصری) داده و به (جاسیه)  
موسوم و آقا محمد باقر تاجر بههانی و آقا میرزا  
ابراهیم خان را که معارف دوست هستند سرپرست  
کرده انده الحاق جا دارد که دو (صربستان) (سردار)  
را مؤسس و حاج رئیس را حامی معارف یاد نمود

ارومیه

حالت کنونی این ولایت باز بسابق سابق با  
کمال بی نظمی و غیر مرتبی دواثر می گذرد .  
تا زمانیکه از طهران و یا تبریز از اشخاص  
عالم وطن دوست با کفایت جبهه اصلاح حال و رفع  
نواقص این شهر نفرستند بهیچوجه نواقص مرتفع  
نخواهد شد . قریب یکصد نفر سالدات قزاق در  
قونسواخانه روس و همین مقدار عسکر سواره در  
شهبندر خانه عنایه میباشد . . و حکومت این شهر  
باسلام و خوی با جناب حاجی محتشم السلطه است  
امروز تلگراف توقیف انبار های نمک از تبریز  
از طرف علی آقای مجاهد بحاجی مؤیدالتجار که  
خواهش بواسطه مشروطه خواهی در سال گذشته بفارت  
رفته رسیده امید است اگر از طرف اولیاء امور و  
مرکز موجبات تام در اصلاح حال مملکت بعمل آید  
این همه نواقص و غیر منظمی ها رو باصلاح بگذارد  
و الا باین حال بی حالی و یا مسامحه و کلا و وزرا  
روز های بسیار سختی باز در پیش خواهیم داشت  
اللهم اجعل عواقب امورنا خیرا



اخبارات خارجه

§ (دولتین روس و اتالیا) بر تحریکات [دولتین فرانسه و انگلیس] در ماره (کریت) متفق‌الرای شده - و دول محافظ بنوعی از انواع در این باره و مخصوصاً در سلوک با مسلمانان حکومت (کریت) را متنبه خواهند کرد - مخارات فعلاً جاری است و تا کنون فیصله آخری در این مسئله معلوم نشده.

§ محاصل راه آهن (بضداد) بعد از وضع محارج در سنه ۱۹۰۹ (۱۱۶۱۰۶۵) فرامک شده - و در سنه ۱۹۰۸ (۹۱۴۷۵۷) فرامک حاصل شده بود

§ دیروز در (موستار) بذیراتی شایانی از اعلی حضرت امپراطور آستریا نموده بودند - و سپس به (ویانه) رهسپار شدند.

§ مجلس دومی روس بر مشوره قانون (بیلند) شروع به بحث نمود - و کلا در عصیانهای تاریخی آنها سعی گفتگو نمودند - آراء حصه زیاد اعصاب ما حکومت بود | مسبو استولی بن | اظهار داشت که اکنون می‌تواند مجوزات خود را مطلق گذارد زیرا که در آنجا بر خلاف دولت روس خیالات متشر یافته است

§ اداره نظمیه (واشنگتن) را خبر رسیده که در | سنکگ | چهار طرف شهر اعلانات چسبانده اند که اموال و هوس اهالی خارجه را باید تلف نمود

§ موجب تلگرافی که از (پیک) در (نیویارک) اشاعت یافته فوسل (سنکگ) اعلان نموده اهالی آنجا هتک حرمت اهالی خارجه می‌کنند و بر دیوار عمارت مسکونه فوسل امریکا الناط نوهینه می‌نویسند - خوف اعتشاش در (ه) جون میرود که یوم افتتاح نمایشگاه (سنکگ) است - از این رو نخیلی از تبار چن خارجه شهر رفته نروت خود را در زمین دهن می‌نمایند

§ فرمانفرمای (پرسینگال) فراسه خبر میدهد که جماعتی از سارقین عرب بر دسته شتر سواران حمله کرده جنگ صعی در پیوسته از اعراب صد نفر مقتول و ۴۰ نفر مجروح - از فرانسه ۹ نفر مقتول و ۱۹ مجروح شدند

§ پادشاه یونان در پاریس رفته با (سیوفلاریس) رئیس جمهوری و وزراء گفتگو نموده و اکنون وارد (روم) شده و شاید مشغول مذاکره مسئله جزیره مای (کریت) میباشد - اوضاع کریت همه روزه نازک و خوفناک می‌شود - دولت (یونان و حکومت کریت) را اراده ایست که ترک رابطه به نمایند - و دولت عثمانی مصمم است که احقاق حقوق خود نماید - دول محافظ موقتاً در صدد اعطاء نواتر عنساد و ساعی در ابقای صلح اند

§ اعلیحضرت امپراطور آستریا وارد (ویانه) شدند

§ روح تلگراف (پترسبرگ) اعلیحضرت امپراطور روس نشان (سنت اندرو) را به (پرس) نوشیدی) ژاپون اعطا فرمودند

§ (اعلیحضرت خارج بجم) پادشاه انگلستان با (حوزف چمبرلین) در عمارت بیلاقی وی ملاقات کرده صرف جوی فرموده - تا یک ساعت مشغول گفتگو بودند

§ نمایشگاه (سنکگ) دیروز افتتاح شد  
 § اعلیحضرت امپراطور آستریا دیروز با والا حضرت ولیمهد عثمانی ملاقت نمودند - روز شنبه (آرج دیوک فرسد فریبند) امپراطور معظم له را مدعو نموده بودند - شاهراده (بلگرید) روز پنجشنبه وارد خواهند شد و دو روز قیام و برای ملاحظه شان مشق نشون خواهد شد

§ عبدالعزیز سلطان مخلوع (مراکو) از (تانجیر) رهسپار و وارد (اسکندریه) خواهد شد - عزم تشریف به مکه معظمه دارد

§ (اعلیحضرت امپراطور آستریا) و (پرن دون اورتغال) ماوالا حضرت شاهراده ولیمهد عثمانی امروز تا یک ساعت مشغول گفتگو بودند

§ (مستر اسکویت وارل آف کروی) دیروز عصر با اعلیحضرت خارج پادشاه انگلستان ملاقات نمودند

§ بجهت اینکه بعضی از اجزای دولت با وزیر مستعمرات (آلمان) همراهی ندارند استعفا نموده است

وقایع نگار (طمس) از برلن می نویسد که اعلیحضرت امپراطور آلمان و رئیس الوزراء بوزیر مستعمرات خواست رد استعفای او را نمودند ولی پذیرفت و عزم مسافرت ژاپون و مشرق اقصی دارد در جنوب انگلستان ۱۴ ساعت طوفان بود و خیلی زیانات به نفوس و اموال اهالی رسیده است دومای روس با (۱۹۶) رای مسوده قانون (فینلند) را به کبسیون مخصوص سپرد

وقایع نگار استندرد از پاریس می نویسد که از (ایتالیا) خبر رسیده قبائل متحده (ملای) سومالی را گرفتار و بقتل رسانیده اند اعلیحضرت امپراطور آلمان قبول استعفای وزیر مستعمرات را نمودند - و (و هر وون لندیکولیت) بجای وی مقرر شد - و به وزیر مستعفی مزبور نشان سرخ (عقاب) مرصع اعطا شد

از تلگراف اسلامبول ظاهر می شود که غیر دولت (یونان) به رئیس الوزرای عثمانی شکایت از ترك استعمال امتعه یونان در مملکت عثمانی نموده - رئیس الوزرا در جواب اظهار داشت در امور بیکه راجع به حبا وطنی است مداخله نتواند نمود تا وقتیکه خلاف قانونی از آنها ظاهر نگردد

در مجلس ملی انگلستان (مستر مکگنیه) در ضمن بحث بر مصارف مخری اظهار نمود که در میزان خرج اخراجات جهاز شنا خانه نیز شامل است - علاوه جهاز شناخانه دیگر هم عاجلاً تمیر خواهد شد روز نامه (دیلی اکسپرس) می نویسد که عهده فرفرمائی هند به (سرجارلس هاردینگ) مروض گردید

در ممالک عثمانی برخلاف دولت یونان همه روزه خیالات هموم اهالی در ترقی است. ترك حمل مال التجاره بر جهازات یونانی اولاً از (ازمیر) شروع شده و اهالی یونان دكاكبن خود را بند کرده اند (سرجارلس هاردینگ) عهده فرمانفرمائی هند منصوب گردید.

حسب صلاح دید مامورین حکومت اهالی از ترك امتعه یونان دست بردار شده اند

شهرزاده ولیعهد عثمانی بمحبت (یوسف عزیزالدین) وزیر خارجه عثمانی وارد (بلگرید) شدند - پادشاه و ولیعهد (بلگرید) استقبالشان نموده - جراید

(سرویا) تبریک ورود گفته اظهار اتحاد با دولت عثمانی میکنند

### عرضداشت مهم

بمقام منبع حضرت اقدس نیابت سلطنت عظمی دامت شو کته الوالا مشرف است

بشرف عرض اقدس عالی میرساند - در خصوص جزیره هرمز بمباشرت جناب حاجی آقا محمد معین التجار بوشهری اولاً از حضرت اقدس که امروز نگاهبان و حافظ قانون در مملکت ایران هستد با يك آرزوی زیادی استدعا میشود که جناب اشرف آقای مشیرالدوله وزیر عدلیه اعظم را احضار فرموده تحقیقات بفرمائید که در خصوص فرمایش حاجی معین التجار بوشهری چه معلومات در عدلیه اعظم نبت و ضبط است، پس از تحقیقات مقرر فرمائید آن معلومات را به جراید محلی داده ملت ایران و سایر حامیان انصابت را معلومیت ما آگاه سازند تا برده از روی این قبیل کارها برداشته شده و مقام هر کس معین شود -

عرض نانی از چهار ماه قبل جلسات متعدده در یکی از کبسیون های مجلس مقدس شورای ملی شیداالله ارکانه و بنیانه که کبسیون فواید عامه باشد که چند جلسه آنهم با حضور خود حاجی معین التجار بوده و عده از نمایندگان مجلس مقدس رسیدگی تمامی اسناد حاجی معین التجار شده با حضور وزیر معادن و وزیر مالیه نابت و محقق شد که از تاریخ سنه یک هزار و سیصد و بیست سه هجری ببعده جناب حاجی معین التجار اجازه نامه در دست ندارند و در این چهار سال و هشت ماه تمام عملی که در جزیره و سایر بنادر خلیج فارس از روی اجازه نامه سابق نموده تماماً بواسطه این بوده است که دولت و ملت ایران دچار بعضی مشکلات بوده اند و اشکالاتی که برای دولت و ملت حاصل بوده و این مدت موقع بدست حاجی معین التجار داده هرچه در قوه داشته از مواه معدنی استخراج و باطراف دنیا فروخته و ذخیره کرده اند، لازم است که خاطر مقدس را تا جاتی که ممکن است به کیفیت این جزیره مسبوق نماید

اول - جزیره هرمز سه معدن منکشفه داشتیم قبل از اینکه بدست حاجی معین التجار رسیده باشد - معدن خاک - معدن گوگرد - معدن نمک

دوم برای - استخراج این مواد معدنی تا ورود  
در کشتی بزرگ فقط دوازده هزار تومان سرمایه  
لازم است

سیم - مخارج استخراج المی ورود در کشتی  
بزرگ با مواجب رئیس و دبیر و سایر اعضا  
کار سکه تماماً از اشخاص درست و لایق انتخاب  
بشوند تمامی در صد و هشت و نیم خواهد بود

خالص عایدی دولت از این گنج حاضر که اسم  
او معادن است (لکن نسبت به بیچ معدن دنیا ندارد)  
صدی نود و یک و نیمش بجزایه دولت عاید خواهد شد  
قریب بدو ماه بود جناب حاجی معین‌التجار جناب  
حاجی امین‌الضرب را چندین مرتبه نزد داعی فرستاد  
که حقیر کک کم مجدداً این مواد معدنی را امتیاز  
بگیرد - تقسیم آن باین ترتیب درخواست میکرد

اول - دولت از تمام مواد معدنی که استخراج  
میشود عایدی را بجزایه داخل کند از صد ۵۰ را  
و صد بخاه هزار تومان هم تقدماً تقدیم مینمود برای  
اجحافاتی که در این چهار سال و هشت ماه بدولت  
مظلوم ایران کرده است

دوم - قسمت مخارج تماماً المی ورود کشتی صدی  
هشت و نیم

سیم - جناب حاجی معین‌التجار ببرد ! برای  
چه ؟ معلوم نبود « صدی چهل و یک نیم »  
چون نتوانست داعی را با خود همراه کند  
حالا مشغول دسته بندی و بعضی عنوانات شده و  
از بعضی اشخاص مقدس و بزرگ هم مشغول است  
ملاقات شبهه کک بگیرد - کسانی که دعوت میکنند  
مارا که عایدات مملکت را بامثال حاجی معین‌التجار  
تقدیم کنیم خوب است بخاطر مبارک خود بگذرانند  
آن معامله را که حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام با  
برادر خود عقیل کرد

عقیده جان نثار این است که عایدات مملکت  
باید در کمال دقت به مخارج خود مملکت برسد تا  
امنیت بیشتر از آنچه موجود است ثابت و بادوام  
باشد، حفظ حدود و ثغور بشود، حفظ بیضه اسلام بشود  
کسانی که خلاف این عقیده را دارند خوب است  
خود را داخل دسته حاجی معین کرده مارا هم از  
عقاید خود آگاه فرمایند زیاده عرضی ندارد  
( خادم ملت \* وکیل‌الرعايا )

مکرر نوشته شده که معادن زرخیز خلیج فارس  
بدرجه اهم و قابل اعتناء است که میتواند بزرگترین  
ضمانت های استقرار داخلی و خارجی ایران واقع  
گردد - اجاره دادن به معین یا غیر معین خطای  
بین است - و هر کس که در ماده اجاره معادن  
خلیج سی نماید یا جاهل محض است و یا خائن ملت  
و وطن خود - همین قسم است سایر حقوقی که  
معین‌التجار در دوره استبداد در خلیج فارس  
حاصل نموده - در هر يك از آنها دولت و مملکت  
خراب و معین‌التجار آباد است - خوبست سکه  
معین‌التجار و حاجی امین‌الضرب بخونهاییکه از بدن  
این ملك و ملت در ادوار سالهه مکیده اند قناعت  
نموده دیگر چشم طمع را از عایدات ملکی بر بندند  
و ر این ملك و ملت ترحم نمایند

حامیان معین را که در معنی وطن فروشان  
حقیقی اند متنبه می‌نمایم که هرگاه دست از اقله  
شبهه بر ندارند افعال بلکه خیالاتشان را آفتابی  
خواهیم نمود ( وطن خواه )

نقل از روزنامه شریفة ایران نو

( همچشمی ژرمن - انگلیز در عالم اسلام )  
( همچشمی در ایران )

حکومت ژرمن که جهان بر فعالیت و تربیات  
تغییر نا پذیرش حیران بوده اینک بار دوم است  
که عالم اسلام را نیز در قلمرو تدقیق و احتوای  
خود با کمال فیروزی و رخشندهگی نگه داشته و  
میدارد. هنوز از یاد تاریخ شناسان سیاسات اخیره  
فراموش نشده است که سیاست آلمان برخلاف  
آرزوی استیلا جویانه فراسه مداخله حتی نموده  
استقلال حکومت اسلامی مراکش را از چنگ  
مدعی حریص رهائی داده

این دفعه شرف دولت ایران را که مانند دولت  
های مستقل جنبش نموده در تاریخ ترقی و بیداری  
نامدار گشته و در بجه سیاستهای روس و انگلیز  
بیایه حکومت‌های غیر مستقل کشیده شده بود  
خلاصی داد

دولت آلمان در حدود و جوار ایران علاقه  
ندارد کجا مپگردند که آلمان در کار های سیاسی  
ایران بیگانه و بیطرف خواهد شد . و حال آنکه  
حکومت آلمان در مسئله استقرار وسعت و اهمیت



نفوذ و معاملات خود را در ایران آفتاب کرد .  
دیگر جای شك و شبهه باقی نمانده است که نفوذ  
آلمان در تمام نقاط اسلام بدولت های علاقه دار  
رقابت ورزیده و می چربد .

نقطه مهمی که برای ما دانستن آن واجب است  
اینکه ، عالم اسلام آیا از مداخله های آلمان فایده  
مد خواهد شد یا نه ، امروز حکومت اسلامی  
بیست که در تحت فرمانروائی آلمان واقع گردد ،  
بعد از این هم دولت آلمان آرزوی استیلای حکومت های  
مستقلی که مانند ایران و مراکش ضعیف و بی  
قوت هستند نخواهد داشت . در این صورت در  
مقابل کوشش های سیاسی آلمان در عالم اسلام يك  
مقصود بیشتر باقی نیست آنهم وقایع و صیانت منافع  
اسلامی را مرعی داشتن و به آن وسیله توجه و  
دوستی اسلامی را بر خود جلب نمودن و از نقطه  
اقتصادی اولین پایه و نخستین پله را دارا شدن  
است و پس ، همین مقصود و آرزوی آلمانها کاملاً  
بر منافع روس و انگلیس و فرانسه ضد و مقابل  
است ، وسعت و ترقی تجارتی امروزه دولت آلمان  
ببایه رسیده است که این سه دولت را باندیشه  
فرو برده است ، رفته رفته دولت انگلیس و فرانسه  
بیز از این رهگذر ضرر می بینند ، پس در این  
صورت این سه دولت خواهند کوشید که از نفوذ  
آلمان جلوگیری نمایند و لکن حای دقت است که  
بارزوی خود شان خواهند رسید یا نه ؛ دولت  
آلمان از آن دولت های بزرگ است که با تهدید  
های خورده ریزه مجرای سیاست خود را هرگز  
تبدیل نمیدهد ، از این دو دولت یکی روسیه است  
که در مسئله ایران علاقه دارد قطعاً با هیچ وسیله  
نمی تواند دولت آلمان را بترساند ، از کاین اگر چه در  
راو آلمان بیشتر وسایط تأثیریه را دارا میباشد و  
لکن محقق است که در سر ایران با آلمان بهم نخواهد  
رد این مسئله در سید است اسکایز از دومین مسائل  
بشمار بوده و نتیجه خواهد داد که دولت روس  
وا در ایران تنها بگذارد ، در این صورت برای  
اینکه دولت روس بتواند با نفوذ آلمان رقابت کند  
چاره نیست مگر این که روس واسکلیز طرز سیاست  
خود شان را در ایران تغییر بدهند

اینک از آن احوالی که برای عالم اسلام در

نخستین پایه سود مند است از امثال این گو  
رقابت هاست و رقابت دول معظمه و ملل متقدمه  
برای اسلامیت سرچشمه زندگانی است چنانچه  
ایران نیز در این موقع سخت حسن تأثیر  
رقابت را دیده افسوس که در ایران مردمان کاری  
چندان کیاب است که کمان نبرود از این مداخله  
فیض آور دولت آلمان استفاده نمایند

ایرانیها با وجود اینکه جزو اعظم شان مسلمان  
هستند بعضی ها شان اصول شوروی را نمیخواهند  
اردوی با شکوه متهور و جدیت پرور ما امروز  
نگهبان مشروطیت است و از این جهت فکر ارتجاع  
در کار بوده و حشرات در عمق زمین مخفی شده  
و سه دلان نا امید و پریشان را قوتی نمانده است  
اما در ایران اینطور نیست حکومت ما پول دارد  
نه سپاه چهار صد هزار لبرائی که حکومت ایران  
میخواهد استقرار نماید درجه اظهار عجز اندازه  
احطاط و خرابی آن وطن مبارک اسلامی را طاهر  
میسازد

حکومت ایران با وجود اینکه خاکش را قشون  
دو دولت معظم اشتغال کرده و از سستی هم معروض  
سرکشی های ایلات یاعی می باشد پیش از چند  
هزار فرساهی منظم ندارد ، هرگاه تمام این ملاحظات  
و نظریات در نظر امان بیاید برای ایران باز هم  
يك راه محتمل متصور است آن راه محبت بکار بردن  
مهارت سیاسی و حسن استفاده از رقابت و هم  
چشمی دول است ، انگلیس و روس چون میخواهند  
ایران در تحت نفوذ و محکومیت منضوی آلمان نرود  
و خیالشان بمناعت از انجام یافتن این امر است  
مجبورند که با سیاستی عادلانه و آرام با ایران مدارا  
ور رفتار کنند - اگر رجال دولت ایران این نکات  
را بتوانند تقدر نمایند ممکن است انگلیس و روس  
را مجبور سازند که خط حرکت نافع تری درباره  
ایران اتخاذ کنند - اگر بخوانند ایران ازین حال  
اسف استعمال کنونی خلاصی یابد ، عجائبات غیر  
ازین چاره نیست ، امید است که ایران ازین بیعد  
قدری بیدارتر باشد ، ما از شأنت شخصیت پرستی  
که باعث ضعف منضوی ایران است چوشت داخل  
موضوع مقاله نیست بحث نمی کنیم همین قدر باید  
گفت که اگر ازین پس نیز خواب بانییم بلکه اقتضا

و محکومیت هم ما را بیدار نخواهد کرد، طرز حرکت اخیر سیاست آلمان برای ایران نعمت غیر مترقبه است اگر ازین نعمت بتوانند استفاده کنند بعد ازین سیاست نیکوتر خواهند یافت و اگر این فرصت را از دست دهند نتیجه این غفلت جز محکومیت نخواهد بود

( تلگراف خصوصی )

مقام منبع وزارت داخله دامت شوکته مدنی است که سارقین فارس راه شیراز و بندر عباس و کرمان و یزد را میدان تاخت و تاز خود فرار داده اند دعوات را چلبیده زنها را داغ کرده برادران ما را کشته اموال تجار را بسرقت میبرند پس از تطلعات زیاد آقای سردار جنگ حکمران یزد سارقین را دستگیر و اموال سرقت شده خاک یزد را مسترد داشتند کمال تشکر را داریم، باطمینان آنکه قلع ماده شده مال التجاره کلی از یزد خواستیم قوافل پی در پی آمده در طبس از ترس سارقین توقیف است باوجودیکه دو ماه قبل ایالت کرمان راساً به تهران و ایالت خراسان تلگرافی از حرکت سارقین بسمت خراسان اطلاع داده که جلوگیری فرمایند، افسوس که از تسامح اولیای امور بر تجری سارقین افزوده اصراف طبس و ترشیز و تون و غیره را با مال و کردند آنچه کردند که هنوز ناله های زنهای داغ شده حضای ایران را بر کرده

بوجب خبر اخیر طبس محصور و تمام شتر حملان را برده اند باز هم اگر جلوگیری نشود خوف است طبس الی مشهد را بچابند، چگونه سزاوار است تجارت سکه روح مملکت است بکلی از نا امنی طرق و شوارع مختل باشد و عبور و مرور زوار و غیره بکلی قطع شود و اولیای امور باوجود اطلاعات کامله قبل از وقوع اقدامی فرمایند، لذا ناچار شده تمام حجرات خود را بسته در تلگرافخانه متحصنیم مادامیکه قطع و قلع کلیه سارقین نشود نمیتوانیم مشغول امورات تجاری خود بشویم تمام دارائی مان در بیابان برواتمان معوق است، استدعای عاجزانه دعا گویان آنکه حکم تلگرافی بایالت فارس و کرمان و حکمران یزد و ایالت خراسان شرف صدور یابد که سارقین را دوره کرده اموال را مسترد و شرآنها را از سر رعایای مظلوم

سکوتاه فرمایند مادامیکه تامین واقعی حاصل نشود اطمینان بحمل يك شاهی مال التجاره نداریم اقدامات قوی رفع اشرار را نکرده و نخواهد کرد منتظر اقدامات فعلی هستیم

عموم تجار متحصنین تلگرافخانه محمد تقی -  
عبدالمخالق - محمد شریف - حسین - هاشم  
( جبل المتین )

درست باید غور نمود که یزد - کرمان - خراسان - اصفهان تمام داد و فریاد شان از سارقین فارس است - مسلم است که این سارقین از همان ایلات دوره فارس میباشند - ایلات خسه همیشه مصدر سرقت بوده اند - بر ایلات جلیه فارس لازم است که رؤسای ایلات را تبدیل دهند و از رؤسای جدید ضمانت گیرند - و این امر بهترین اسباب جلوگیری سارقین است چه این ایلات بدبخت تا از جانب رؤسای خود مأمور به سرقت نشوند جرئت ارتکاب دزدی را ندارند - هرگاه ایلات خسه کماکان به بی القوم سپرده آید خارج از امکان است که هوگیل از اینگونه شرارها و دزدی ما شود و بر خوض سکوت موقتی اطمینان به امنیت دائمی نتوان نمود

مکتوب جنوب

اگر چه جندی است که این عبد موفق به خدمتگذاری حرایب ملیه که مقدم ترین وظایف انسانیت و ملت پرستی و دولت دوستی است نشده ولی بیساره ملاحظات خود را قاصر می داند نه مقصر. درین وقت بعرض این مختصر حسارت می ووزد که این خادم قدیمی از نظر امور آب یگانه وطن پرست عبور محو نباشد، پس از جستن از اوضاع باری بازی وفاق وگننده کاری مستبدین بیدین یعنی اواط بیکار و ملانما های رشوه خوار همسنان دست غیبی بوشهر یعنی یادگار عهد استبداد کبیر و سردار دوره استبداد صغیر يتولد از خلیج فارس که شرح حرکات وحشانه استبدادیه ایشان بتوسط جرابد عدالتخواه کراراً اشاعه یافته و مکرر بعرض اولیای امور رسیده ولی بی نتیجه مانده چون به محرمه آمدم و اوضاع این بندر خبیلی مهم جنوب ایران عزیز خود را از بین بخت و اهتانات مشروطه و عدالت خواهانه و اقدامات ملت

و دولت پرستانه ( سردار ارفع ) حکمدار و ( اعتلاء الدوله ) کار گذار و ( حاجی رئیس ) پیشکار با رعایت اقتضای وقت و محل و موقع و اشخاص برخلاف اوضاع ناهنجار بوشهر بوسی خوشگوار دیدم و باوجود مشوق و اصلاح طلب بودن ( اعتلاء الدوله ) که یکی از خدمات این سرشان تشویق ( سردار حکمدار ) بتاسیس و افتتاح مدرسه مبارکه ( خزعلیه ) است و خیالات عالیه ایست که بسایر ایجادات لازمه برای آسایش اهالی این صفحات بسر دارند با مواظت حکومت محلیه مایه بسی امیدواری گردید و به توسط بعضی از جرائد ترقی خواه اصلاح طلب اشاعه داده و از صدای مسئلت است که اسباب آسایش عمومی فراهم و لوازم نیل سعادت مهیا گردد

اگر چه در آنوقت بحیال رفتن بستان عرش درجات و تشرف بزیارت ائمه هدی و آستان بوس حضرات آیات الله آقای ( آخوند ملا محمد کاظم خراسانی ) و آقای آقا (ملا عبدالله مازندرانی) و سایر حجج مشروطه خواه اسلامی ارواحنا لربنا اقدامهم الغداء بودم که چگونه حرکات مستبده و افعال وحشیانه مستبدین بیدین وحشی صنت و صدمات وارد بر خود را شناها بعرض این ذوات مقدسه رسانم. ولی از آنجائیکه فرموده حضرت مولا انوالی ( عرفت ربی به فسخ العزائم ) ( و فوق تدبیرالله تقدیراً ) از مجربات مسلمه است و دست تقدیرم از عربستان عراقی منحرف و بربستان خوزستانی متوجه نمود

روز هشتم ربیع الاول هذمه السنه با کشتی تجارتنی لنج کپانی انگلیس موسوم به ( مال امیر ) حرکت کرده دهم ماه مذکور که اول برج حمل و عید سعید نوروز پیروز جشیدی بود وارد ناصری شدم

اگر چه پیش از یک روز توقف نکرده ولی اوضاع ایجا را نیز از بمن خوش بختی ( شیخ جاسب خان نصرت الملك ) فرزند ارجمند سردار ارفع در کمال نظم و امنیت و با رعایت اقتضای وقت و مراتب معلومه خیلی منظم دیدم، یاقوت بازی و خانه جنگی که گفته اند ( شکار خانه کردن کار موش است ) و نفاق و امثالهم که در بوشهر رواج

و مقاصد میثومه وطن فروشانه و خیانت بی ناموسانه خیانت کارانه اشخاص معلوم الحال بد مال یعنی دست غیبی و همدستان بد نهائس نیست و تا دوجه آباد شده و رو با بادی و آزادی است و عبور و مرور قوافل از راه چهارمحال در خاک بختیاری باصفهان و حمل و نقل مال التجاره و چند نفر تاجر تجارتك مختصری هم هست، چه خوش وجه قدر واجب است که از طرف دولت راه عبور و مرور بکرمان شاهان و حمل مال التجاره بآن سامان ازین سمت باز گردد، تدارکی برای امنیت این راه بجلوگیری از ایلات سکوند و غیره نمایند که حمل و نقل اجناس ازین راه خیلی نزدیک شود که هر ساله مبالغ کلیه نقود وطن عزیز مان حق العبور از بغداد بگمرک عثمانی داده نشود ولی هیات لما تو عدون

اداره کپانی نفت ( انگلو برشیان آیل کپانی لیتند ) نیز باز و با کمال استعداد از روی صحت مشغول باحجام و اتمام کار است

روز یازدهم ماه مذکور در کشتی موسوم به ( شوشان ) که نیز مال کپانی لیتنج است همراه ( مستر رینولدس ) رئیس کل معادن نفت جنوبی ایران متوجه بجناب شوشتر شده. سیزدهم مذکور بدروه خزینه که چهار فرسنگی شوشتر و اینک بندرگاه و معبر اشیاء و اجزای اداره نفت مسجد سلیمان است رسیده پس از دو شب سوار بر ستور بمنزل گاه موسوم به ( آبگه ) که وسط راه است آمده و بعد از یکشب بجناب میدان نفتیان که اداره آفیس بزرگ این کپانی در جنوب ایران است آمدیم

از بندر محرمه تادوره خزینه که با کشتی کوچک در رودخانه چهار روز مسافت است قلمرو ( شیخ خزعل خان سردار ارفع ) می باشد و بعد تا مسجد سلیمان که ظاهراً ۱۳ فرسنگ است ملک طوائف جلیله بختیاری است

### مکتوب از دره جز

( اینکه می بینیم به پیداریست یار )  
 مشروطه خواهان را  
 نوید که آفتاب عدالت  
 دره جز ساطع  
 رئیس نفا  
 چیه محرمه جز وارد شده، اولاً تاسیس



و اثر بنای مصلحت جاهد و سعی است و نانی  
اینکه اینده این قلمه که حاکی از زمان استبداد و  
بلکه یادگار از آن عهد ماضی بود ( که برگزیدهها  
صلوات) بطرز جدید در اصلاحات معارف مسلمین و  
تعمیر دکانین و نصب نمرات و گذاشتن چراغ  
در اماکن لازمه مشغول، امید است او ایسای  
امور در تأسیس انجمن بلدیة مطابق قانون اندک  
عطف توجه را معطوف داشته که اداره نظمیة باجرای  
اوامر بلدیة مطابق قانون در تنظیمات شهری و اصلاحات  
نرخ که مایه هر دو این قهره حیات انسانیت است  
کوشیده که اگر این سرحد با قرب جوار به خارجه  
رو به آبادی گذارد ایرانیان بی برستار را از خاک دولت  
همجوار جلب باین جا نموده و از قید اسارت و  
قانون استبداد میرهاند

( نام نیکی گریه زادی )

( به کزو ماند سرای زرنگار )

بروگرام تحصیلات اعلی حضرت هاپون

از آنجا که عموم ملت و اهالی مملکت آرزومند  
و منتظرند که اعلی حضرت شاهنشاه جوان تخت سلطان  
احمد شاه قاجار عالم بر علوم و دانا بر سیاست و  
مصلح وقت و متخلق با اخلاق حمیده و منصف بصنات  
پسندیده باشند، قارئین خود ما را بشارت میدهم و  
بروگرام تحصیل اعلی حضرت را درج مینمایم

مخصوصاً وزارت دربار و جناب آقای رئیس  
خلوت در حصول این مقصود مقدس جد و جهد  
وافی دارند. قانون جدید کلاسی مرتب نموده و  
دوازده نفر از نواب و اعیان نجیب که اخلاق حمیده را  
امتحانات عدیده داده اند مدرس و همکلاس نموده  
که رقابت علمی در مودرسی و هم سنی بهترین وسیله  
ترقی و بحث مذاکره با هم زمانان خوشترین تدبیر  
تحصیل است و بعجب نکته برخوردند که علم در  
طی صحبت و اخلاق در ضمن معاشرت تکمیل میشود  
( خذ العلم من افواه الرجال )

لذا خادمان حضرت و مقربین خدمت را جوانان  
نجیب مشروطه خواه عالم بر علوم لازمه مدنیت و  
سیاست و دانا بر السنة خارجه انتخاب فرموده اند که  
در ضمن هر صحبتی حکمتی و در طی هر مطلبی مقصدی  
بمرض هاپونی برسانند

قرآن کریم در نزد جناب حاجی ملا باشی که عالم  
بر علم تفسیر و تجوید است می فرمایند کلاس تحصیل  
اعلی حضرت در نزد طالبان بصیر و فاضلان خیر از قرار  
تفصیل ذیل است

شنبه ( قبل از ظهر ) فارسی، عربی، شرعیات،  
مشق نظام، مذاکره

( بعد از ظهر ) جغرافیا (فارسی) زبان روسی  
یکشنبه ( قبل از ظهر ) فارسی و غیره، جناسبتک  
مذاکره، مشق خط فارسی

( بعد از ظهر ) حساب فارسی، زبان فرانسه،  
دوشنبه ( قبل از ظهر ) فارسی و شرعیات، مشق  
نظام، تاریخ

( بعد از ظهر ) تعطیل

سه شنبه ( قبل از ظهر ) فارسی و غیره، جناسبتک  
مذاکره، مشق خط فارسی

( بعد از ظهر ) جغرافیا فارسی، زبان روسی،  
چهارشنبه ( قبل از ظهر ) فارسی و غیره، مشق  
نظام، نثاری، مشق فارسی

( بعد از ظهر ) حساب فارسی، زبان فرانسه  
پنجشنبه ( قبل از ظهر ) فارسی، شرعیات، جناسبتک  
تاریخ

( بعد از ظهر ) فرانسه، زبان روسی

( ابران نو )

تلگرافات

( ۲ ج ۲ - ۱۰ جون )

§ در مجلس ( دومای ) روس پس از مباحثه  
زیاد با (۱۴۶) رای مقابل (۲۳) رای قانون  
( فنلند ) امضا یافت

§ ( سر چارلس مار دینگ ) فرمانفرمان هند  
نامزد و بخطاب لاردری ممتاز خواهند شد

§ مضمون است که بین دو یاری بلتیکی لندن  
( لیبرل و کنسرواتیو ) کانفرنس صلح منعقد شود  
اهالی از انعقاد چنین مجلس که داعی بر صلح میباشد  
مسرور اند

( ۳ ج ۲ - ۱۱ جون )

§ بموجب تلگراف اسلامبول مدیر - ریڈه ( صدای  
ملت ) را کشتند و گویا این قتل هم مانند قتل مدیر  
اخبار [ سربیتی ] که سال گذشته پیش آمده بلتیکی

انجام یافت

۱۰ بارتلی ملتیان و فرقه مزدوران به کانفرنس صلحی که که بنسبت بین لبرل و کنسرواتیوها منعقد گردد اعتماد ندارند و قبل از انعقاد کانفرنس صلح بین | مستر اسکویت و مستر بلفور | مواد لازمه فیصل خواهد یافت

۱۱ قنصل دول محافظ کریت به حکومت مشارالیهها به آخرین مراسمه اتهام حجت نموده اند و تهدید شده است که اگر مسلمانان را در شورای ملی شرکت ندهند دول محافظ اقدامات لازمه خود را خواهند نمود

۱۲ تلگراف مصر ظاهر میدارد استیناف قاتل (پتروس یاشا) را عدالت منظور نه نموده بازده یوم دیگر بسزای اعدام خواهد رسید

۱۳ والا حضرت ولیعهد عثمانی وارد (صوفیه) و پادشاه بلغار با استقبال شائقه و در قصر سلطنتی توقف نمودند

۱۴ مخبر (روتز) از اسلامبول خبر میدهد که بل راه آهن [لویورس] شکسته - چند قطار کالسکه بخار در آب افتاده و نقصانی زیاد رسیده - یک قطار راه آهن برای نجات مصیبت یافته گان بسرعت فرستاده شد

۱۵ از اسلامبول خبر رسیده که (محمود شفقت یاشا) از (البانیا) مراجعت و اظهار داشته که در (البانیا) امنیت قائم واردونی برای حفظ امنیت گذارده خواهد شد

( ۴ ج ۲ - ۱۲ جون )

۱۶ روزنامه (آزور) می نویسد که (مستر بدور) بر تحریک مجلس کانفرنس صلحی که (مستر اسکویت) نموده رضایت داده است

۱۷ (مستر رامزی مکداللد) در شورای ملی انگلستان باین نوع که (مستر اسکویت) تحریک نموده مناسباً اظهار داشته که اینگونه تصفیة امر را نمی پسندد

( ۵ ج ۲ - ۱۳ جون )

۱۸ در مجلس ملی انگلستان (مستر اسکویت) اظهار داشت که یک هفته میگذرد بین (مستر بلفور) و من مخبره جاری است و امید است کانفرنس صلح حسب دلخواه انجام یابد

۱۹ (مستر هالدین) امروز اعلام داشت که (لارڈ کچنر) عهده کاندانی قشون بحر روم را ایستاده کرده است

نمود که آیا این امر صحیح است که این (سر ایلدن گورست) وزیر سیاسی مصر و اداره خارجه اتفاق رأی نیست، و حکومت اعتماد بر (سر ایلدن گورست) دارد؟ - (سر ادوردگری) در جواب اظهار داشت که حکومت اعتماد نام بر (سر ایلدن گورست) دارد و هیچ امری واقع نشده که موثر بدگمانی نسبت به او بشود

۲۰ در اسلامبول منباب (کریت) بریثانی اعلی رفته رفته کم می شود - دولت فرانسه تحریک نموده که در خصوص مسئله (کریت) دول محافظ باید شورائی در لندن بنمایند

( ۶ ج ۲ - ۱۴ جون )

۲۱ اعلیحضرت امپراطور آستریا - یکی از مسلمانان را به صدارت مجلس ملی بوسینیا منتخب نمودند ۲۲ در جواب (مستر گبسن بولس) سر ادوردگری اظهار داشت که این امر غلط است که خیالات سایر دول اروپا با خیال دولت انگلیس درباره حکومت (کریت) مبیایت دارد - دولت انگلیس را خیال اینست که (کریت) تحت الحکم اعلیحضرت سلطانت باشد تا مسلمانان محفوظ مانده و حکومت (کریت) نیز منظم شود - در صورت مخالفت حکومت (کریت) و ظهور فساد که در شرق قریب (جزیره نیام بانکان) احتمال جنگ برود دولت انگلیس با دول دیگر متفقاً اقداماتی خواهند نمود که برای حکومت (کریت) مفید نخواهد بود

۲۳ رسماً اشاعت یافته که (دیوک آف کنات) پارلمان افریقای جنوبی را افتتاح خواهد نمود

( ۷ ج ۲ - ۱۵ جون )

۲۴ تلگرافی از (مصر) رسیده که هیئت وزراء قانون جدید مطایع را که مجلس محلی امضا نداشته بود و قوانین الحجهها و مکاتب را که مجلس محلی رد کرده بود امضا نمود

۲۵ دولت انگلیس تحریک به دول محافظ کرده که هر کدام از دول را لازم است یک جهاز زره پوش برای قبولاندن تحریکات دول به حکومت کریت بفرستند

۲۶ (مستر اسکویت) امروزه سوده قانون نائب السلطنتی را به پارلمان انگلیس پیش نمود - مشعر براینکه اگر اعلیحضرت جارج پادشاه انگلستان انتقال نمایند تا بلوغ ولیعهد (ملکه میری) به نائب السلطنتی برقرار خواهند بود

( ۸ ج ۲ - ۱۶ جون )

حبل‌المتین

این خبر از اباس صدق عاری می‌باشد اولاً باید دانست که دولت جدید هیچوجه خواهش قرضه از آلمان نه نموده بود که او ابا و امتناع نماید. تمام این هیاهو ها را نمایندگان سیاسی همسایه از روی بلبلیک اشاعت داده اند. چون استقراض روس و انگلیس رد شد و سید روت نماینده دج بنک آلمان هم همان ایام در طهران بود و موعد اولویت راه آهن هم که روسیان گرفته و انگلیسیان تقلید از آن نمود. حتی برای خود دعوی میکردند برای ایرانیان خانه باخیز شد. یکدفعه سیاسیون دو همسایه دستبچه شد. مصمم یک تجاوز و یک حمله دیگر بایران گردید. خواستند قدری فضاحت آن حمله را در آن تجاوز ناجز و مستوجب حلوه دهند این بود که سخن استقراض آلمان را بدهرها اداخته گفتند آلمان امتیاز راه آهن گرفته و اشهار دادند که انحصار کشی رانی را در دریاچه ارومیه تحصیل کرده و صد اشهرات دیگر ،

آن تجاوز بلبلیکی و حمله استقلال شکنانه که دولتیین میخواستند بایران بنمایند و این همه هیاهو بنام آلمان برای بی کم کردن بود هماما یاد داشتو است که چندی قبل دولتیین بایران پیش نمود. و قیومیت خویش را بایران خواسته اند حالا که بخمال خویش کار خود را کرده ( و حال آنکه ازین یاد داشت هم بقدر خردی فائده نخواهند برد ) میگویند که آلمان حاضر نگردید که بایران پول بدهد تا هم بچارگی و بی اعتباری ایران را بر عالمیان ظاهر دارد و هم غلبه سیاسی خودشان را بر آلمان شهرت دهند و هم قدری سرزش متمدنین را در خصوص سحتی و خود غرضی شروط استقراض کم کرده بنمایند که اینگونه شرایط برای ایران سخت نبوده چنانچه پس از رد شروط استقراض مجدداً رجوع نمودند. غرض ایست که تمام این اوامات بی اصل و بلبلیکی بوده است اما کذب حصه دیگر این خبر و خواهش دولت جدید از روس و انگلیس برای قرض ، تلگرافی است که از طهران بدین عنوان رسید. که مجلس شورای ملی قانون ده کرور قرضه داخلی را امضاء فرمود و خارجه نیز در خرید سهام این قرض مجاز خواهند بود. فقط صاحبان سهام اعم از خارجه و داخله بای بند بقوانین این استقراض هستند این تلگراف بخوبی ظاهر میدارد که دولت جدید رقع احتیاج خود را از استقراض داخلی نموده در این صورت جهتی ندارد که مجدد

و جواب چند سوال اظهار داشت که غیر ممکن است دول محافظ (کریت) را الحاق به یونان نمایند - واده دول محافظ ایست امری پیش نیاید که مضر به حقوق دولت عثمانی باشد و ملای حقوق مسلمانان شود. اینکه جراند آستریا و آلمان مینویسند که دولت انگلیس هوا خواه دولت یونان میباشد بامره غلط و مسلک دولت انگلیس با دولت یونان همان است که همیشه بوده (مستر آربنهامه) شکایت کرد که دولت چین اغراض تجارتی روس و ژاپون را در چین رجحان بر اغراض دولت انگلیس میدهد - ( سر ادورد گری ) در جواب اظهار داشت که حسب معاهده سنه ۱۸۹۷ لازم است که در باره راه آهن ( چنگجو ) دولت انگلیس سکوت نماید تا وقتیکه دولتیین روس و ژاپون انفصال اغراض خود شان را بنمایند

( کرنل سیلی ) در جواب ( مستر ریس ) اظهار داشت که انجمن تجارتی ( هکنک ) درباره گمرک تریاک وارده به ( کانتان ) به وزیر مختار شکایت نموده - وزیر مختار خبر میدهد که بر تریاک خاص گمرک جاری و مشارالیه ( اوئی اوبو ) را آگه نموده که قانونی حظه از دیاد گمرک بموجب عهد نامه نادر امری بست که پذیرفته شود ( اوئی اوبو ) بز وعده کرده که از فرمانفرما استصواب خواهد نمود ( ۹ ج ۲ - ۱۷ جون )

بموجب خبری که از ( اسلامبول ) رسیده دولت عثمانی به افسران مصافات نوشته که حوش و فروش درباره ( کریت ) لازم نیست و نیز این خیال که دولت انگلیس با دولت یونان مخیال میباشد غلط محض است - وزیر جنگ عثمانی بودجه جنگ را در مجلس ملی پیش کرده - و مخارج لازمه را پانزده ملیون لیرای عثمانی ظاهر نموده و لزوم خریداری یکصد توپ میدانی و ( ۲۶ ) توپ کوهی و ( ۸۰۰ ) تفنگ اعلائی سریع الاطلاق اظهار داشته

ترجمه اخبارات خارجه راجع بایران

بتازگی آوازی در ویانه از دهان روسیان بدین نوا بلند گردیده ( ما یقین داریم دولت آلمان نه بیرو نگارشات جراند خود و نه مسلک وی در ایران از بی طرفی تجاوز نموده است )

دیگری از جراند روسیه مینویسد ( دولت آلمان چون مستعد به همراهی مالی بایران نگردیده و دولت جدید هم رقع احتیاجات خویش را از مراکز دیگر نتوانسته به نماید مجدد برای استقراض بدولتیین

روس و انگلیس رجوع نماید

از تلگرافات وارده طهران ظاهر می شود سازشهای سخت پلنیکي را رؤسای فرقه ارتجاعیون بقوت زور و خراج کرد در تخریب اساس مشروطیت سعی اند که من جمله آنها امین الملک بود که تاره مقول گردید، بدو قتل او معمولی تصور می شد و فته و فته به تحقیق پیوسته که پلنیکي بوده است امین الملک زور بول حصه از مختاریان را بمسک ارتجاع ما خود همراه نموده بود و ممکن بود از وجود او يك انقلاب عظیمی در طهران پیش آید رؤسای مستبدین که تا کمال آسایش و امنیت در طهران نشسته و یا بسرکارهای بزرگ ما مورد در هر نقطه ایران سعی در انداختن انقلاب و درهم و برمی امنیت اند، چیزی که بیشتر سبب قوت آنان گردیده تمسک و بستگی هر يك از آنهاست ما یکی از وزرا یا وکلای چون اتفاق کامل در وزرا و استلاف نام بی کابینه و مجلس نمیباشد خطرات عظیمی برای ایران از روش ارتجاعیون متصور است

جبل المین

امین الملکی که تازه سزای اعمال خویش رسیده گویا پسر امین الملک متوفی وریر خزانه برادر میرزا علی اصغر حن امین السلاط است ، باقیات خزانه چندین میلیون دمه او بود و در اول سلطنت صدرالدین شاه که امین السلطان مزول شد برادرش امین الملک گرفتار آمده باقیات خزانه را از او مطالبه نمودند. همیشه امین السلاط روی کار آمد مایه خزانه نیز گنج خور شد امروز همان پورها دارد صرف عود استبداد نگردد

عنه با سره مشق خون با داشتند افسوس که ما پاره می کردیم همه لایه و لایه های جان وطن را بر سر راه آورده بسی دست اندازش را بر تک در آن داده ایم که در هر آن روز را مستعد بر آید محاصره داشته ایم و گویا آن روز بریک باشد که مد از خزانهای بسیار مجبور به پیروی از مسلک عثمانیان و کوتاه کردن دست مستبدین از دین دلمان وض بگردیم و این تدارک هر قدر سریعتر بشود مملکت از مخاطره زود تر خواهد رست

اخبارات روسی مینویسند که فقط عذر روس در معاملات ایران با آلمان دو نکته است اول اینکه

تا ایران قروض سابق خود را نپردازد از دولت دیگری استقراض ننماید و دیگر اینکه چون رابطه قفقاز ما شمال ایران بدرجه اتم است دولت روس نمی تواند راضی شود که در سرحدات قفقاز امتیاز راه آهن و انطام قشون بدولت تاتی رجوع گردد -

اخبارات برلین مینویسند آلمان هیچگونه نمی تواند تصدیق کنند دعاوی روس را در ماده ایران ، آلمان فقط يك نکته اهم را تهییب می نماید که آن تجارت است از آزادی تجارت ایران بروی جمیع ملل

اگرچه رسماً تا کنون در این موضوع خبری افشا نشده ولی انواه است که فعلاً آلمان سعی نیست که اختیار راه آهن شمالی ایران را بخودی خود حاصل نماید ولی کوشان است که اطمینان حاصل کند آزادی تجارت عمومی را در ایران ، و هر حق که در کشیدن راه های آهن ایران دول دیگر را حاصل آید آلمان هم خود را دارای همان حق خواهد شناخت ، راه آهن بغداد که آله پدشرف تجارت آلمان در آسیای وسطی میباشد خواه بخواد ملحق خواهد شد برای آنیکه در شمال ایران کشیده شود امروز مناقشه آلمان در آزادی تجارت ایران

با روس است ، با انگلیس ، چه دولت انگلیس آزادی تجارت ایران را بروی جمیع دول و ملل تسلیم نموده حالا باید دید که دولت روس هم این مسئله را تسلیم خواهد نمود یا خیر

اخبارات لندن مینویسند قشون عثمانی تا کنون در مقاماتیکه واقعاً حاکم ایران است توقف دارند و مشغول به درفتن مایات و کمرک و غیره نیز در آن مقامات میباشند - باعالی دربارہ احرار قشون خود بدین عذر معذرت است که چون دولت ایران از محافظه رعایای سی سرحدات عاجز میباشد محض حفظ آنان بدین اقدام مجبور گردیده است ( و این عذر عثمانی در مقابل معاذیر بوسیده روس است که در اخراج قشون خود میگوید (منور اضمینان بامنیت آتیه ایران حاصل شده است ) دولت روس و انگلیس از باعالی خواهش نموده اند که کیسیون صلحی در سرحد از نمایندگان عثمانی - ایران روس و انگلیس تشکیل یافته سرحدات متنازعه بین ایران و عثمانی را فیصل نمایند - هنوز جوابی اهم از رد و قبول از باعالی نرسیده است



( قیمت اشتراك )	و لا حق اخذ ابتره بدون قهر ندارد و تا وقتیکه ( اشتراكی را قسم مخصوصی سال هجدهم دست نماند )	( حبل المتین کلکتہ )
( سالانہ — شش ماہہ )	( رقمہ شان بری فضاختہ نمیشود )	( ادیکل کالج استریت نمبر ۴ )
( هند و برمه )	( باہہ مقدسہ )	HABLUH MAPIN OFFICE 1 MEDICAL COLLEGE STREET CALCUTTA
( ۱۲ روپیہ — ۷ روپیہ )		( کلبہ امور ادارہ با )
( ایران و افغانستان )		( مدیر کل مؤید الاسلام است )
( ۴۰ قران — ۲۰ قران )		( ہر دو شنبہ طبع )
( عثمانی و مصر )		( و ہر شنبہ توزیع میشود )
( مجیدی — ۳ مجیدی )		( ہر دو شنبہ )
( اروپا و چین )		( ۲۶ جادی ۱۳۲۸ ہجری )
( ۳۰ فرنک — ۱۶ فرانک )	( سہ ۱۳۱۱ )	( مصارف با )
( روس و ترکستان )	( مراسلات خصوصی بدون امضای )	( ۴ جولائی ۱۹۱۰ میلادی )
( ۱۰ منات — ۶ منات )	( معروف ادارہ درج نمیشود )	

# حبل المتین

در این خریدہ از ہرگونہ اخبار و وقایع سیاسی و منافع دولتی و فواید ملی بحث میشود  
( مقالات عام المنفعہ مقبول و در انتشار ادارہ آزادست )

آقای حنفی قایمخان سردار بہادر رئیس اردوی فاتح منصور و مظفر آذربایجان دام اجلالہ



نورددہ ارد شیر بابکان فرزند رشید ایران قہرمان مشروطیت نونہال پر دار اہل جلیل یقیناریان بخت یار جناب مستطاب .....  
این نونہال بہت جہادی و یکہ تار میدان شجاعت و دلادری چین حرکت اردو ہای بختیاری پیامب طہران در رکاب حضرت اشرف سردار  
اسعد والد ماجد شان سردار اولی اردو و پیشقدم در فتح طہران بودند  
در وقتہ بغاوت رنجیم خان در اردبیل کہ بزرگترین خطرات مشروطیت متصور بود - این نورددہ مشروطہ خواہان با یک عالم شجاعت و یکہ  
ہنیا وطنخواہی دامن رشادت را پر کر رده با (مسیر فرمخان) ریاست اردو را قبول و در آن سرمای متک شکاف از گن کوبہ ہای پر یوی خطرناک گذشتہ  
در اسرع اوقات بہ مقابل و جہان شوم و اتباع بشومش عرض و خود نمودہ ہر جہت ہشت ماہہ آئی نیاسودہ در زنجبان و قرچہ داغ وارد بیل مقہرین شامسون  
و خیرہ را سرکوبی کردہ ہلکت آذربایجانرا بہت اہمیت در آورده سری از سرکشان بکدارند کہ در کنت اطاعت دولت جدید بیرون نیاروند حق اینست  
کہ این نونہال پرستان شجاعت روح پر فتوح شجاعتان و سرداران باستان ایران را شاد کردہ بر طالبان ظاہر داشتند کہ ہموزم خاک پاک ایران لر  
دلوران و پلوانان خالی نگوراند جای دارد کہ ملت ایران از ہرون جان و بن دندان بگویند رندہ باد سردار بہادر سردار اردوی منصور